

# اسلام و نیازهای نو

احمد جمالی زاده

عضو هیأت علمی گروه الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان

## چکیده:

از عمده ترین ویژگیهای دین اسلام خاتمیت است. خاتمیت به معنای جاودانگی معارف و احکام و قوانین این دین است و دیگر اینکه دین نسبت به زندگی متحول بشر شأن هدایتگری و پاسخگویی دارد. اولین شرط هدایتگری وجود هماهنگی و سازگاری بین دین و زندگی است. پرسشی که از ملاحظه این امر (ثبات دین و تحول زندگی) برمی خیزد این است که اصول ثابت دین چگونه با زندگی متحول بشر سازگاری دارد و نیازهای نو را پاسخ می دهد؟ این مقاله به بررسی اشکال و نقش گرایش های ذاتی انسان به عنوان مبادی تحولات در زندگی بشر پرداخته است. و در مقام ارائه پاسخ خصوصیات ساختاری و محتوایی دین اسلام مرتبط با طرح اشکال بیان شده است. با توضیح این جنبه ها، زمینه انعطاف پذیری دین با تحولات در عین صیانت از اصول ثابت دینی از راه اجتهاد زنده و متحرک در عرصه نیازها و پرسش های نو با اثبات می رسد.

## مقدمه:

ادیان و حیانی پیش از اسلام در عین برخورداری از مبانی و اصول و اهداف مشترک، بنا به مقتضیات زمان و متناسب با سطح فکر و نیاز مردم و هماهنگ با شرایط اجتماع آن دوره، تجدید و نومی شده است و هر دین مطابق نیاز مردم هر عصر، احکام و مقررات خاصی را می آورده و احکامی از دین پیشین که مناسب با زمان گذشته بوده نسخ، و قوانین و احکام جدیدی در آن شریعت ابلاغ می شده است.

تاریخ ادیان و حیانی و نسخ شرایع سابق گویای این واقعیت است که در ادیان الهی تحول و تکامل پذیرفته شده است بدین سبب شرایع و ادیان پایه پای کمال و رشد فکری بشر و تحولات اجتماعی متغیر و تکامل برده است نسخ ادیان یکی پس از دیگری به معنای پذیرش واقعیت قهری و انکارناپذیر تحول و تکامل در فکر و اندیشه بشر است از این رو می توان گفت دین الهی مقتضیات زمان را پذیرفته و در تقنین و تنظیم احکام و قوانین تشریحی خود، نیازهای مردم هر عصر را مورد

نظر داشته و رعایت نموده است چون نیازمندیهای بشر در هر دوره با دوره دیگر فرق داشته و بشر در هر دوره نیازمند پیام نوین و پیام آور نو بوده است نبوت تجدید و شرایع و احکام جدید مطابق نیازها و مقتضیات زمان ابلاغ می شده است و از طرفی تجدید نبوت و شرایع و نسخ ادیان و کتابهای آسمانی پیشین به وسیله کتاب و شریعت بعدی گواه بر تکامل فکری بشر و رعایت آن از جانب شارع می باشد<sup>(۱)</sup> نسخ شرایع و ادیان الهی در طول تاریخ پیش از اسلام مطابق نیازها و شرایط جدید و به موازات تکامل فکری و اجتماعی بشر استمرار داشته تا نبوت به شریعت سلام رسیده است .

دین اسلام با ویژگی هایی چون خاتمیت و جاودانگی و جامعیت و جهانشمولی شناخته می شود و بدین خصائص از شرایع و ادیان پیشین ممتاز می گردد لازمه این ویژگی ها برخورداری از اصول ثابت و همیشگی و جاودانه است و از طرفی لازمه هویت دینی ، هدایتگری نسبت به جریانات و تحولات زندگی انسان است<sup>(۲)</sup> زیرا دین نمی تواند از نیازهای جامعه برکنار و نسبت به آنها بی تفاوت باشد .

## طرح پرسش

با توجه به ثبات مبانی دین و تحولات قطعی جوامع بشری این پرسش مطرح می شود که دین اسلام چگونه نسبت به تحولات و نیازهای نو هماهنگی دارد و نیازهای متغیر را با اصول ثابت خود پاسخ می دهد ؟

این پرسش بر دو امر استوار است

۱- از یک طرف اسلام به عنوان مجموعه کامل و جاودانه و جامعه ساز که شأن هدایتگری و راهنمایی در همه عرصه های زندگی را بر عهده دارد مطرح است .

۲- از طرفی تغییرات و تحولات جامعه بشری که از نیازهای طبیعی و فطری و انگیزه های ذاتی بشر سرچشمه می گیرد یک واقعیت قهری است و روند تکامل بشر نیازهای نو و جدید را در عرصه اجتماع مطرح می سازد .

با توجه به دو امر یاد شده صورت دیگری از پرسش فوق چنین عرضه می شود :

« طبیعت زمان اقتضای دگرگونی دارد و هر روز اوضاع و احوال و شرایط جدیدی خلق می شود که با شرایط پیشین معیار است و از طرفی معتقدیم که توانین اسلام جاودانه و نسخ ناپذیر است و احکام قطعی و قوانینی که از ضروریات اسلام است بر اثر تحولات جامعه متحول نمی گردد با توجه به این امر ، قابلیت انعطاف پذیری سیستم قانونگذاری اسلام با تحولات و مقتضیات زمان چگونه توجیه می شود؟ »

جاودانگی اصول و مبانی دین اسلام یک حقیقت تشریحی است و تحول و تکامل اندیشه بشر، با توجه به مبادی ذاتی و فطری آن یک واقعیت انکارناپذیر تکوینی است چگونگی بین اصول تشریحی ثابت و جنبه تکوینی متحول انسان هماهنگی وجود دارد؟ در این نوشتار سعی شده است راز توانایی دین اسلام در پاسخگویی به احتیاجات و نیازهای نو گردد.

مطالب این مقاله در دو بخش عرضه می شود:

- ۱- تحولات زندگی بشر و مبادی ذاتی و انسانی آن.
- ۲- مبانی هماهنگی دین اسلام با تحولات اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای نو.

## مبایده تحولات

بنیاد جامعه بر مجموعه ای از نیازها و انگیزه های متنوع افراد استوار است یکی از نیازهای عمده و اساسی انسان از دیدگاه روانشناسان نیاز به محبت و تعلق به گروه است<sup>(۳)</sup> انسان در هر مرحله از زندگی نیازمند و علاقه مند به ارتباط و همکاری با دیگران است او در تأمین نیازهای خود از راه همبستگی با دیگران و همیاری با آنان به ارضای نیازهای مادی و روحی خود می پردازد انسانها در تمام زمینه های زندگی اعم از نیازهای بدنی و فیزیولوژیکی و مادی و اقتصادی، غریزی و فطری، فکری و فرهنگی با یکدیگر در تعامل و داد و ستد هستند بر آوردن نیازها و رفع مشکلات زندگی مستلزم بهره گیری از همفکری و همکاری با یکدیگر است زیرا نیازهای انسان چنان وسیع و گسترده و به هم پیچیده و پیوسته است که دستیابی به هر یک بدون کمک گرفتن از دیگران و جلب مشارکت آنان امکان پذیر نیست.

جامعه ترکیبی از افراد است که از یک سری انگیزه ها و نیازهای مشترک طبیعی و غریزی و گرایش های معنوی و فطری برخوردارند از این رو جامعه تابعی از افکار و اندیشه ها و باورها و سنت ها و خولسته ها و نیازها، انگیزه ها، گرایش ها، خصلت های اکتسابی و غیراکتسابی اکثر افراد جامعه می باشد عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی و تطورات تاریخی و تحولات ادواری زندگی بشر و پیدایش مقتضیات جدید در مرحله نخست همان ویژگیها و ممیزات نوعی افراد انسان است، بنابراین جامعه تحت تأثیر نیازهای گسترده و متنوع افراد بشر شکل گرفته و به نوبه خود منشأ

نیازهای جدیدی شده است .

ممیزات ذاتی انسان که مبادی تحولات می باشد عبارت است از :

جستجوگری و اندیشمندی ، برخورداری از اراده و اختیار ، توانائی بر ابتکار و خلاقیت و کمال طلبی و نوگرایی .

## الف - جستجوگری

انسان نظراً موجودی کنجکاو و آفریده شده است ، حس کنجکاو و پژوهشگری و توانایی بر فکر و اندیشه از خصیصه های بارز و از جنبه های ذاتی انسان است حس جستجوگری ، انسان را به سوی تحقیق و بررسی و پژوهش برمی انگیزد و به سمت شناخت و اندیشه گری می کشاند به اقتضای این حس انسان در پی کشف حقایق جهان هستی برمی آید و در مواجهه با محیط اطراف پرسشهای گوناگونی برای انسان مطرح می شود و به مقتضای ساختمان فکری و ذهنی اش پرسشهای درباره موضوعات و پدیده ها و مسائل شناختی برای خود مطرح می نماید و جهت دستیابی به پاسخ مناسب و نافع کننده به مطالعه و تفکر و کشف حقایق و واقعتهای جهان هستی می پردازد انسان در پی شناخت خود برمی خیزد می خواهد خود و دیگران را بشناسد ، محیط زندگی و اطراف خود را دریابد سعی می کند پدیده های هستی ، موجودات زمینی و اجرام کیهانی و آسمانی را بشناسد به ترکیبات درونی و شیمیائی مواد پی ببرد به کشف روابط اجسام و خواص فیزیکی و قوانین آنها نائل شود و کیفیت استفاده از آنها را به دست آورد و در جهت منافع خود به کار گیرد اوج آسمانها و اختران و کهکشانها و کیفیت پیدایش و تحولات آنها را مطالعه کند دل کوهها را بشکافد و به مطالعه تطورات تاریخی آن پردازد .

پیدایش و گسترش علوم مختلف مرهون حس کنجکاو و برخاسته از نیازهای طبیعی و فطری و همکاری علمی بین انسانهاست .

شناخت و اکتشاف زمینه رشد و تعالی و بهره برداری از ذخائر طبیعی را فراهم می سازد و اساسی ترین گام در شکوفایی استعداد های بشر از راه دانش گرایی او برداشته می شود .

## ب - خلاقیت و ابتکار

علاوه بر حس کنجکاوی که مبدأ ذاتی دانش در انسان و موجب توسعه فکر و بینش او است ، انسان از نیروی خلاقیت و ابتکار نیز برخوردار است انسان بر اساس این گرایش می خواهد خلق کند و بیافریند و چیزی را که نبوده است ایجاد کند و کیفیت و چگونگی جدیدی را به وجود آورد . خلاقیت در انسان یک گرایش اصیل است . انسان از سنین کودکی دوست دارد چیزی را بسازد نقاشی کند و هنر آفرین داشته باشد کودک وقتی یک کار دستی یا یک اسباب بازی ابتدایی می سازد خوشحال و شادمان می گردد اکتشاف از نیروی کنجکاوی و اندیشمندی انسان سرچشمه می گیرد اختراع و سازندگی از نیروی خلاقیت و ابتکار انسان برمی خیزد و اینکه خداوند قبل از آفرینش آدم با بیان « انی جاعل فی الارض خلیفه »<sup>(۴)</sup> خلقت او را به فرشتگان اعلام نموده است صحه گذاردن بر این گرایش است .

یکی از جهات خلیفه الله بودن آدم نسبت به خداوند این است که خداوند به بشر قدرت خلاقیت و ابتکار و آفرینندگی داده است و نشان و جلوه ای از خالقیت خداوند در ذات انسان نهاده شده است بشر در جهان و حیطه زندگی خود قدرت نقش آفرینی دارد . و آفرینندگی او در طول اراده و قدرت و خالقیت خداوند است و در آیه « فتبارک الله احسن الخالقین »<sup>(۵)</sup> تلویحاً به نقش انسان در آفرینندگی و ابتکار اشاره شده است .

رتال جامع علوم انسانی

## ج - آزادی اراده و اختیار

انسان فرزند بالغ و رشید طبیعت است از همین رو موجودی آزاد و با اختیار آفریده شده است<sup>(۶)</sup> انتخابگری قدرت حرکت و مانور در زندگی و تغییر و تحول در زمینه های مختلف به انسان داده است و میدان را برای حرکتهای و تلاش ها و خواسته های او وسعت بخشیده است از این رو مسیر زندگی انسان بر خلاف سایر جانداران یکنواخت نیست فراز و نشیب دارد پسروی و پیشروی دارد تکامل و ترقی و یا تنزل و انحطاط دارد زندگی حیوانات در عین اعجاب انگیزی و شگفت آوری از زمان پیدایش انواع آنها یکسان و یکنواخت بوده است و تغییرات نوعی موجودات ناشی از جبر طبیعی و تاثیرات غیرارادی آنها است حیوانات ابتکار و آزادی عمل

فراتر از آنچه دستگاه آفرینش به آنها داده است ندارند از این رو تکامل و انحطاط ندارند از ابتدای خلقت آنها، آنچه داشته‌اند بدون تحول اساسی امروز هم دارند اما انسان با توجه به استعدادها و قوای خود نیازی به سرپرستی و قیمومیت مستقیم و هدایت جبری غریزه ندارد آنچه سایر جانداران با نیروی غیرقابل سرپیچی غریزه انجام می‌دهند انسان در محیط آزاد و زیر نفوذ و شعاع قوای فکری و عقلی و قوانین قراردادی انجام می‌دهند.

### د- کمال طلبی و نوگرایی

یکی دیگر از خصیصه‌های انسان کمال طلبی است، انسان فطرتاً موجودی کمال طلب است کمال خواهی و نوگرایی جزو گرایش‌های اصیل و متعالی انسان است این گرایش در جنبه‌های مختلف زندگی بشر ظهور دارد زندگی انسان از مرحله ساده‌ای شروع شده و ادوار و مراحل گوناگونی را پشت سر نهاده است و به هر مرحله که وارد شده به آن بسنده ننموده و خواهان مرحله بالاتر شده است مظاهر متنوع و گوناگون زندگی بشر گویای این گرایش اصیل است از این رو زندگی انسان به ادوار و مراحل متعددی تقسیم شده و مراحل مختلف و متنوعی را پشت سر نهاده است و از لحاظ رشد فکری و علمی مراتب کمال را تدریجاً پیموده است. سطح افکار و اندیشه‌های انراد جامعه و همچنین نیازمندیهای هر دوره با ادوار دیگر متمایز و متفاوت بوده است و هر دوره اقتضائات و شرایط خاصی داشته است تغییر و تکامل در وسایل و ابزار و روش‌های زندگی و پیشرفت و رشد در مظاهر مختلف تمدن بشر و رشد صنعت و تکنولوژی براساس گرایش کمال‌گرایی بشر صورت گرفته است.

خلق و آفرینش عوامل و وسایل بهتر برای رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی و معنوی از خصیصه‌های انسان است. « بشر به حکم اینکه به نیروی عقل و ابتکار و اختیار مجهز است و تمایل به زندگی بهتر دارد پیوسته افکار و اندیشه‌ها و عوامل و وسایل بهتری برای رفع احتیاجات اقتصادی و اجتماعی و معنوی خود وارد زندگی می‌کند ورود عوامل و وسایل کامل‌تر و بهتر خود به خود سبب می‌شود که عوامل کهنه و ناقص جای خود را به نوترها بدهد و انسان به حکم نیازمندیهای خاص خود به عوامل و ابزار جدید وابستگی پیدا می‌کند وابستگی انسان به یک سلسله احتیاجات

مادی و معنوی و تغییر دائمی عوامل و وسایل رفع کننده این احتیاجات و کامل تر و بهتر شدن دائمی آنها که به نوبه خود یک سلسله احتیاجات نیز به وجود می آورند، سبب می شود که مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی در هر عصری و زمانی تغییر کند و انسان الزاماً خود را با مقتضیات جدید تطبیق دهد.<sup>(۷)</sup>

### تأثیر متقابل فرهنگ‌ها زمینه ساز تحول

فرهنگ‌ها به منزله جریان نفوذزا و نفوذپذیر بر یکدیگر تأثیر می گذرانند و چون فرهنگ‌های فکری و غیرفیزیکی است محدودیت پذیر نیست ارتباط و اختلاط بین فرهنگ‌ها و التقاط از افکار و اندیشه‌ها، تحولات جدیدی در عرصه اجتماع به وجود می آورد با ورود فرهنگ‌ها و آمیزش اندیشه‌ها، نگرشها و دیدگاهها بر یکدیگر تأثیرگذار و تأثیرپذیر می گردد از برخورد اندیشه‌ها فرهنگ جدید زایش پیدا می کند فرهنگ‌های متکی بر پشتوانه منطقی و برخوردار از اصول و مبنی قوی و قویم بر فرهنگ‌های ضعیف و سست غالب می آید و به مرور آنها را هضم می نماید و همچنین از برخورد و اختلاط یا همنشینی بین فرهنگ‌ها یا هجوم فرهنگی پرسش‌های اعتقادی و فکری و طرح‌های اجتماعی پیش می آید که قبلاً نبوده است. ترجمه کتابها و انتقال یافته‌های علمی و تجربیات اجتماعی و مباحث تئوری و نظری زمینه تبادل و تقارب فرهنگی یا هجوم فرهنگی را فراهم می سازد بسیاری از تحولات فکری و دگرگونی در بینش‌ها و نگرش‌ها و تغییرات اجتماعی از راه ورود و اختلاط فرهنگ‌ها پدید آمده است.

امروزه ارتباطات رسانه‌ای زمینه توسعه روابط انسانی را به گونه‌ای در سطح جهانی فراهم نموده است که عنوان دهکده جهانی بر کشورها و جوامع مختلف اضلاع می گردد و از راه ارتباطات سریع و آسان، روابط گسترده فرهنگی، اقتصادی، نگری و تربیتی گسترده خارج از مرزهای جغرافیایی، به سرعت امواج انجام می گیرد و پی آمدهای گسترده و عظیم و همه جانبه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و حقوقی به وجود آورده است که در گذشته سابقه نداشته است تحولات سریع، رشد فزاینده پدیده‌های زندگی در دهه‌های اخیر به قدری چشمگیر و شگفت آور است که به نظر برخی از اندیشمندان گویا آفرینش جدیدی صورت گرفته است اما تحولات در گذشته

تاریخ زندگی بشر آرام و کند صورت می‌گرفته است و در طول دهها سال نمودی از تحولات و تغییرات در زندگی بشر آشکار می‌شده است.

## استمرار در تحول

انسان به لحاظ پاره ای خصوصیات ثابت و فطری منشأ تحول در زندگی خود شده است تحولات زندگی انسان به لحاظ اینکه از مبادی ثابت و یکنواخت بشری سرچشمه می‌گیرد همیشگی و مستمر است پیشرفت تمدن برخاسته از نیازها و گرایشهای اصیل انسان است و به همین جهت روال و جریان قهری و ثابت دارد. چون میل به کمال در انسان ثابت و دائمی است و نیروی خلاقیت و ابتکار در انسان ذاتی است و اینطور نیست که انسان در مقطعی از زمان، این میل را نیروی تحرک زار داشته باشد و سپس آن را از دست بدهد و دیگر کمال طلب و خلاق نباشد این قوا و استعدادها در انسان همیشگی است و تا انسان، انسان است و از خصیصه های ذاتی برخوردار است تحول نیز در زندگی او وجود دارد. به عبارتی خود تحول و استمرار آن از نوعی ثبات و دوام برخوردار است چون از مبادی و سرچشمه های ثابتی آغاز شده است جریان تحول و تکامل دائمی و ثابت زندگی بشر، به منزله رودی است که از سرچشمه کوچکی آغاز شده است و به تدریج بسان رودی خروشان در آمده است و در عین تحرک فزاینده و گسترده در مسیر ثابتی در حال حرکت است و توقف و ایستایی ندارد.

در این سیر شنابان و دائمی تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف فکری، فرهنگی، اجتماعی زندگی انسان، دین اسلام با ویژگیهایی شناخته می‌شود که در نظر سطحی و ابتدایی نوعی تعارض از این مقارنه برمی‌خیزد. در مطالب گذشته به مبادی ذاتی تحولات زندگی اشاره شد در اینجا در پی تکمیل آن پرسش و زمینه سازی در جهت پاسخ آن با بهره‌گیری از منابع دینی، اشارتی به ویژگیهای دین اسلام می‌شود. با تحلیل درست از این ویژگیها و بیان ساختار محتوایی و تمهیدات نظام فکری اسلام، نه تنها این تعارض رفع می‌شود بلکه زمینه سازگاری بین دین و زندگی متحول همراه با ملاحظاتی که در پایان مقاله می‌آید راز هماهنگی و پاسخگویی دین اسلام به اثبات می‌رسد.

## ویژگیهای دین اسلام

دین اسلام با این ویژگیهای مهم شناخته می شود:

- الف - جاودانگی مبانی و اصول و احکام ضروری اسلام با توجه به مسأله خاتمیت  
ب - جهانی بودن دعوت پیامبر اسلام (ص) و جهانشمولی پیام اسلام  
ج - جامعیت و غنای محتوایی دین اسلام در اداره جامعه بشری در همه  
عرصه های زندگی \*

الف - خاتمیت نبوت پیامبر اسلام و در نتیجه جاودانگی دین اسلام از آیات و روایات زیر استفاده می شود:

« ما کان محمد أباً أحدٍ من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علماً »<sup>(۸)</sup>

« محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست بلکه پیامبر خدا و ختم کننده پیامبران است و خداوند به همه چیز داناست »

بخش اول آیه برای کوباندن یکی از رسم ها و سنت های غلط زمان جاهلیت است که عربها پسرخوانده را به منزله فرزند حقیقی خود می دانستند و بخش دوم بر خاتمیت پیامبر اسلام دلالت دارد. آیه زیر بر نسخ ناپذیری و بی گزندی قرآن که سند اصلی نبوت پیامبر (ص) و دیانت اسلام است دلالت دارد.

« وانه کتاب عزیز لا یأتیه لباطل من بین یدیه و لامن خلفه تنزیل من حکیم حمید »<sup>(۹)</sup>  
« برآستی قرآن کتابی بس ارجمند و عزیز است باطل هرگز به آن راه ندارد نه از پیش رویش و نه از پشت سرش و این کتاب از جانب خدای حکیم و ستوده نازل شده است. »  
و آیه زیر بر تحریف ناپذیری و جاودانگی قرآن دلالت دارد.

« انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون »<sup>(۱۰)</sup>

« بدون تردید ما قرآن را فرو فرستادیم و حتماً از هر گزندی آن را حفظ می نماییم »

پاس داشتن قرآن از هرگزند ، آسیب ناپذیری قرآن و ماندگاری و جاودانی آن را تضمین می نماید .

از جمله روایاتی که بر خاتمیت پیامبر اسلام (ص) صراحت دارد حدیث متواتر « لا نبی بعدی » است که در دنباله حدیث منزلت آمده است حدیث منزلت کلامی است که پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) خطاب به علی (ع) فرموده است « انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی »

حدیث منزلت را پیامبر به مناسبت های متعدد و مختلف مکرراً بیان فرموده است . و در کتابهای حدیثی شیعه و جوامع روایی اهل سنت فراوان ذکر شده است. (۱۱)

این بخش از حدیث منزلت ( لا نبی بعدی ) نبوت پس از پیامبر را نفی می نماید و اعلام می دارد که نبوت پس از پیامبر اسلام تجدید و نو نمی شود نفی نبوت نفی رسالت پس از پیامبر اسلام (ص) را نتیجه می دهد چون نبوت اعم از رسالت است با نفی اعم اخصر نیز منتفی می شود . بدینگونه از « لا نبی بعدی » خاتمیت رسالت پیامبر اسلام (ص) اثبات می گردد .

از جمله روایاتی که بر دوام و ثبات احکام اسلام و جاودانگی آن دلالت دارد روایت زیر است « حلال محمد حلال الی یوم القیمة و حرام محمد حرام الی یوم القیمة » (۱۲)

حلال و حرام محمد (ص) تا روز قیامت حلال و حرام است .

مفاد روایت فوق و سایر نصوص روایی در این مورد این است که احکام تشریحی اسلام و حلال و حرام آن تا قیامت ثابت و مستمر است و قوانین و احکام الهی که در دین اسلام بیان شده است در همه ادوار تاریخی ثابت و جاودانه است .

## ب - جهانی بودن دین اسلام:

آیات زیر علاوه بر دلالت صریح و روشن بر جهانی بودن دعوت اسلام و عمومیت و جهانشمولی رسالت پیامبر (ص) بر خاتمیت دین اسلام نیز دلالت دارد .

« تبارک الذی نزل القرآن علی عبده لیکون للعالمین نذیراً » (۱۳)

بزرگ و مبارک است خدایی که فرقان « قرآن » را بر بنده خود نازل کرد تا بیم دهنده

جهانیان باشد .

این آیه آشکارا بیان می‌دارد که قرآن بر پیامبر نازل شده تا بیم‌رسان همه مردم از زمان نزول قرآن تا قیامت باشد.

(و اوحی الی هذا القرآن لا نذکرکم به و من بلغ) (۱۴)

« این قرآن به من وحی شده است تا شما را و هر که را که قرآن به او می‌رسد به وسیله این قرآن بیم دهم و انذار نمایم. »

گرچه خاستگاه و محل ظهور دین اسلام منطقه‌ای محدود و مشخص از شبه جزیره عربستان مکه بوده است و حضرت محمد (ص) در مقطع خاصی از تاریخ و در میان قوم معینی از عرب به رسالت مبعوث شده‌اند لکن طبق آیات صریح قرآن و سخنان پیامبر، رسالت او جهانی بوده و به قوم و گروه خاصی از مردم و منطقه‌ای محدود از زمین و دورانی معین از زمان محصور و محدود نبوده است و از همان آغاز رسالت، دعوت اسلام عام و فراگیر و خطاب به «ناس» آغاز شده است. و مردم به طور عام مخاطب کلی رسالت و هدایت عمومی قرآن بوده‌اند. (۱۵)

پیامبر با هرگونه خلط نژادگرایی با دین مبارزه کرده است و دین را جریانی قومی و نژادی ندانسته و مسلمانان غیر عرب را عزت و احترام می‌نموده است و قرآن ملاک برتری را ارزشهای اسلامی معرفی نموده است. (۱۶)

## مفهوم خاتمیت

با توجه به مضامین آیات و روایات درمورد خاتمیت این مطلب استفاده می‌شود که خاتمیت به معنای پایان یافتن دورهٔ دینت نیست که چون پس از پیامبر اسلام پیامبری نمی‌آید دیگر بشر نیاز به شریعت ندارد و دورهٔ نیازمندی بشر به دین سپری شده است بلکه به معنای انقطاع وحی تشریحی از جانب خداوند است که خاتمیت نشانگر این مطلب است که شریعت اسلام به مرحله‌ای از کمال و جامعیت رسیده است که نیاز جامعه را با تمام تحولات و بنیادهایی که دارد پاسخگوست و از جانبی نیز بیانگر این نکته است که بشر مخاطب این دین به مرحله‌ای از بلوغ فکری و رشد عقلانی و اندیشه‌گری رسیده است که توانایی درک و استفاده از منابع پایان‌ناپذیر و غنی دینی را دارد می‌تواند منابع دینی خود را از دستبرد و گزند تحریف صیانت بخشید.

خاتمیت اقتضا دارد دین از نوعی ثبات برخوردار باشد و اصل دین در طول زمان و در مواجهه با تغییرات دستخوش دگرگونی واقع نشود چون با تغییر در درون مایه دین اصالت دین از بین خواهد رفت. خداوند شریعت اسلام را برای همه افراد بشر در همه ادوار و اعصار فرستاده است گذشت زمان از اصالت و رسالت آن نمی‌کاهد بلکه نقش سازنده دین روشن‌تر می‌شود و حقانیت و زندگی‌ساز بودن دین را در همه عرصه‌های زندگی اثبات می‌نماید دین خاتم همپای تحولات و دگرگونیهای جوامع بشری نسبت به نیازمندیهای بشر نقش هدایتگرانه دارد.

## راز خاتمیت

راز خاتمیت دین اسلام در دو جنبه نهفته است

- جنبه برون دینی
- جنبه درون دینی .
- جنبه برون دینی

جنبه برون دینی آن به مخاطبان دین مربوط می‌شود، دین اسلام در عصری ظهور نموده است که انسان به مرحله‌ای از کمال و رشد عقلانی و فکری رسیده است که اولاً می‌تواند با اندیشه ژرف انگار، خود از منابع و متون دینی معارف والای دین و برنامه عملی زندگی خود را ( فقه ) استنباط نماید<sup>(۱۷)</sup> و ثانیاً از میراث دینی و فرهنگی خود حفاظت و نگهداری نماید و از دستبرد تحریف و دسیسه صیانت بخشد قدرت عقلانی در عصر خاتمیت به حدی رسیده است که خود دین پذیرش دین را از راه تقلید ناروا دانسته است، برای شناخت دین و نیل به معرفت دینی باید از عقل کمک گرفت عقل در برخی متون روایی به عنوان حجت درونی در کنار نبوت به عنوان حجت بیرونی ردیف شده است. <sup>(۱۸)</sup>

عقل در راه دین شناسی « مصباح الشریعة » است. درک صحیح عقلانی با شریعت رابطه و پیوندی ناگسستنی دارد علاوه بر این، عقل به عنوان یکی از منابع فقه در شناخت احکام در صناعت اجتهاد و فقاهاست مورد عمل استنباط قرار می‌گیرد اهمیت

عقل و تعقل و لزوم تقویت آن از نظر آیات قرآن و احادیث و تأکید فراوان بر آن بی نیاز از بیان و استشهاد است. ذکر عقل در منابع فقه در کنار کتاب و سنت که عمده ترین منابع فقه است و استنباط احکام به حساب می آیند نشانه آن است که بین دین اسلام و عقل تضادی وجود ندارد و شریعت اسلام نقش مهمی برای عقل و به کارگیری اندیشه در درک و تحصیل قوانین دینی قائل شده است.

### - جنبه درون دینی

جنبه درون دینی که خاتمیت دین و جاودانگی اصول و مبانی و احکام اسلام را تضمین می نماید و از طرف دیگر نقش دین را در زندگی ساز بودن اثبات می نماید به دو امر اساسی برمی گردد

- فطری بودن دین - دستگاه درون دینی به گونه طراحی شده است که با ساختار فطری و نیازهای اصلی انسان همخوانی دارد.

- معیار جاودانگی - دین مجموعه کاملی است که به تمام نیازمندیهای انسان در عرصه های مختلف پرداخته است و هیچ نیازی از نیازهای اصلی انسان رارهانتموده است.

### - فطری بودن دین

مایه دین در سرشت بشر به طور فطری وجود دارد انسانها به لحاظ اینکه افراد یک نوع هستند و از آفرینش واحدی برخوردارند سرشت همه آنها یکی است تفاوت در افراد انسان به عوارض و مشخصه های ظاهری آنها برمی گردد و افراد به لحاظ تفاوت های ظاهری و شکلی و درجات متفاوت ادراکی و قابلیت ها از یکدیگر متمایز می باشند انسانهای طبیعی به جز موارد استثنایی از جنبه های مشترک و ثابت برخوردارند از نظر قرآن چون فطرت انسانها واحد و ثابت است و تغییر ماهوی و ذاتی در انسانها رخ نمی دهد دین مطابق با فطرت نیز ثابت است.

« فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذلک الدین القیم » (۱۹)

پس حق گرایانه روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریقه دین خدا که

فطرت خلق را بر آن آفریده است پیرری کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نیست و آیین استوار حق (دین اسلام) این است .

از نظر قرآن سیر استکمالی بشر یک راه هدفدار و بر روی یک خط مشخص و مستقیم است و صراط مستقیم و دین حق همیشه یکی است .<sup>(۲۰)</sup>

اسلام راه فطرت و راه مستقیم است و این راه تحت تاثیر اوضاع و احوال و شرایط تغییر نمی کند یکی از جهات خاتمین دین اسلام و جاودانگی اصول و مبانی آن همین تطابق و هماهنگی احکام آن با نیازهای نظری بشر است روح منطقی اسلام وابستگی کامل به فطرت و طبیعت انسان دارد . فطرت و نیازهای فطری مبنای وضع قوانین و مقررات دین اسلام است . خصیصه هماهنگی و تطابق قوانین اسلام با فطرت ثابت انسان امکان جاودانی دین را فراهم نموده است . علاوه بر این اگر قانونی کلی و اساسی و دارای مبنای منطقی استوار و مطابق با نیازهای واقعی باشد و خط کلی زندگی را ترسیم نماید و به شکل و صورت زندگی که منفر است و به درجه تمدن بستگی دارد نپردازد و به هدف نه جنبه های ظاهری و شکلی اهتمام داشته باشد می تواند با تغییرات زندگی هماهنگی نماید و راهنمایی و هدایت بشر را در همه ادوار و به لحاظ همه ابعاد و جنبه ها و نیازهای واقعی برعهده گیرد .

#### - معیار جاودانگی - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جاودانه بودن و ثبات دایمی هر جریان فکری به یک امر اساسی بستگی دارد و آن اینکه دارای مبنای قویم و اصیل باشد و از خواسته طبیعی و فطری بشر ناشی گردد . برخی نیازها و گرایش ها چون طبیعی یا غریزی یا فطری هستند ثابت و تغییرناپذیرند و گذشت زمان و تحولات زندگی موجب کهنه شدن یا تغییر و نابود آنها نمی شود . برای مثال انسان موجودی اجتماعی است امنیت طلب و ایمنی خواه است تمایل به هنر و زیبایی دارد تمایل به محبوبیت اجتماعی دارد به ادامه وجود و هستی خود از راه ازدواج و بقاء نسل متمایل است . نیازهای جسمانی و فیزیولوژیکی چون نیاز به غذا و دما و حرارت و مسکن و پوشاک دارد تمایل به ثروت دارد در مقابل خطر از خود دفاع می نماید دارای گزینه حب ذات و خرد دوستی است . احساس مذهبی و درک و وجدان اخلاقی دارد به ارزش های والاگرایش دارد نسبت به هم نوع خود نوعاً

احساس ترخّم و ابراز عاطفه می کند. چون نیازهای فوق ثابت است نهادهای تأمین کننده و هدایت کننده و کنترل کننده نسبت به تحقق صحیح این نیازها نیز ثابت است. جامعه به قانون و حکومت و دولت و نهادهای وابسته به آن نیازمند است. گرایش های عممی و هنری در انسان و تلاش در جهت عینی نمودن این خواسته ها نیز همیشه وجود دارد تشکیل قانون خانواده و همسرگزینی و نیاز غریزی انسان به ادامه وجود از طریق بقای نسل یک جریان ثابت و یکنواخت در زندگی بشر بوده است.

انسان در عین تکامل فکری و تغییر در رفتار و شیوه و روش زندگی از یک سری امور ثابت طبیعی و فطری برخوردار است تاریخ بشر نیز بر ثبات و تغییر ناپذیری این گرایش ها گواهی می دهد گرایش های اساسی انسان در طول تاریخ پراشتهاب او همواره ثابت و تغییر ناپذیر باقی مانده است گرایش های ارزشی و اخلاقی و متعالی انسان ثابتند زیست اجتماعی انسان و گرایش به جمع در انسان ثابت است اینطور نیست که در گرایش های اصیل انسان تحولی رخ دهد و انسان زندگی فردی را به جای زندگی اجتماعی گزینش کند و از آن حالت به حالت دیگر باز متحول شود البته در نحوه روابط و مناسبات اجتماعی او تحول و دگرگونی رخ داده است در کیفیت پوشش و شیوه مسکن سازی و ابزار سازی، تنوع و تحول و تفنّن رخ داده است شیوه ها و روش ها تغییر کرده است اما نیازها و گرایش های اصیل انسان همچنان ثابت است همچنین انگیزه ها و زمینه های سرّ در انسان از بین نرفته و همچنان وجود دارد غرایز نیز مستمراً در انسان حاکمیت داشته است.

انسانها به لحاظ اشتراک در انسانیت و ویژگی های انسانی نیازهای مشترک دارند. انسانها از ادراکات عقلی بهره مند هستند عواطف گوناگون مهر و کین و ترس و امید و خیر و شرّ در همه انسانها وجود دارد. خواسته های بدنی و فیزیولوژیکی و نیازهای روحی و فطری وجه مشترک همه انسانهاست.

انسان موجودی ثابت و سیال است به همین لحاظ نیازهای ثابت و متحوّل دارد به لحاظ نیازهای ثابت نوعی از معارف و قوانین ثابت را می طلبد مناسب با این جنبه ثابت انسان اصول و معیارهای ثابت، تأمین کننده سعادت انسان می باشد علاوه بر اصول و معارف ثابت دین نیازهای متغیّر و متحوّل انسان را به لحاظ سیال بودنش نیز باید پاسخگو باشد.

البته سیر زندگی واقعی انسان که سعادت و خوشبختی او را در بردارد راهی است که طبیعت و فطرت به سوی آن هدایت می کند و بر اساس مصالح و منافع واقعی که مطابق اقتضای آفرینش انسان و جهان می باشد پایه گذاری شده است. بین نیازهای تکوینی و قوانین تشریمی اسلام هماهنگی وجود دارد تمامی نیازهای واقعی و طبیعی و غریزی و فطری انسان با حفظ تعادل بین آنها مورد توجه قانونگذاری اسلام است. اسلام یعنی آیین و مقرراتی که با طبیعت ویژه بشری تطبیق می پذیرد و به حسب سازش کاملی که با فطرت و طبیعت انسانی دارد نیازمندیهای واقعی نه خواسته های پنداری و دلخواه های عاطفی و احساساتی انسان را تأمین و رفع نماید بدیهی است که طبیعت و فطرت انسانی تا انسان انسان است همان است که هست و انسان در هر مکانی و زمانی و با هر وضعی زندگی کند طبیعت و فطرت انسانی خود را دارد. (۲۱)

آیا ساختمان وجودی و فیزیکی و نیازهای فکری و عاطفی و روانی بشر فرق کرده است؟ آیا ساختمان وجودی انسانهای پیشین با ساختمان وجودی انسان امروزی متفاوت است؟ آیا اصول و ملاک انسانیت تدریجاً از بین رفته و چیز دیگری جانشین آن شده است؟ یا آنکه اصول انسانیت قدر مشترک و ثابت میان همه نژادها در همه ادوار بوده است.

### دین نیازی انسان

دین تأمین کننده نیازهای روحی و فطری بشر است حس مذهبی یک نیاز اصیل و قوی و یکی از گرایش های متعالی در انسان است دین نیازی در انسان ثابت و جاودانه است به لحاظ دیگر دین نقشی دیگر نیز در زندگی انسان دارد و آن تأمین برخی استعدادها و نیازها در انسان است که فقط از راه دین گرای تأمین می شود و به جز دین جایگزین دیگری ندارد و هیچ چیز دیگری غیر از دین قادر نیست آن احتیاجات را تأمین نماید مثلاً در انسان اندیشه و تصور ابدیت گرایی وجود دارد و میل و اشتیاق به زندگی جاوید یکی از گرایش های عمیق و ریشه دار انسانی است وجود این احساس و ابراز آن به صورت یک خواسته اصیل در انسان با ساختمان بدنی و جسمانی محدود و فانی شونده انسان هماهنگ نیست و بعد جسمانی انسان ظرفیت پذیرش آن تمایل عظیم و گرایش ابدی را در خود ندارد تنها چیزی که این احساس و

این احتیاج را به صورت کامل و مطمئن تأمین می نماید احساسات و عقاید مذهبی و ارضاء حس پرستش و در یک سخن « دین گرایی » بشر است از طرف دیگر، رکن اساسی در قوام و پایداری اجتماعات قانون و اخلاق است احترام به شأن والای قانون و رعایت ارزشهای اخلاقی مبنای استوار هر جامعه مدنی است پشتوانه قانون و اخلاق که صیانت از حقوق واقعی افراد را بر عهده دارد فقط دین باوری است مقدسات و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی همانند عدالت، آزادی، انسانیت، تعاون و همیاری همدردی و احساس عاطفه گری، حرمت حقوق بشر فقط در پرتو دین معنای حقیقی خود را پیدا می کند.

استاد شهید مطهری در مورد راز بقای دین می نویسد:

« اگر دین بخواهد در این دنیا باقی بماند باید دارای یکی از این دو خاصیت باشد یا باید در نهاد بشر جای داشته باشد در ژرفنای فطرت جا داشته باشد یعنی خود در درون بشر به صورت یک خواسته ای باشد که در آن صورت تا بشر در دنیاست دین باقی خواهد بود یا باید تأمین کننده خواسته یا خواسته های دیگر بشر باشد و چنان وسیله ای باشد که چیز دیگری هم نتواند جای او را بگیرد یعنی بشر یک رشته احتیاجات دارد که آن احتیاجات را فقط دین تأمین می کند و غیر از دین و مذهب چیز دیگری قادر نیست آن احتیاجات را تأمین کند. » (۲۲)

### ج - جامعیت دین

قبل از پرداختن به تبیین مفهوم جامعیت دین این مطلب گفتنی است که دین هدایتگر، قابل درک است و دین امری مقدس و دست نیافتنی و برکنار و دور از دسترس معرفت بشری نیست چون در این صورت فلسفه دین و دینداری لغو و بیهوده می باشد اصولاً راز خاتمیت دین و نقش سازنده آن در زندگی بشر در صورتی معنا و مفهوم دارد که دین قابل درک باشد و بشر بتواند نیازهای معنوی و برنامه های زندگی خود را از دین بگیرد و در این صورت است که دین می تواند نقش سازنده و کارآمد داشته باشد.

جنبه درون دینی خاتمیت علاوه بر فطری بودن آن به جامعیت و منابع غنی و پایان ناپذیر و تمهیدات ساختاری و نظام مند و توان انعطاف پذیری مجموعه دین

برمی گردد که خاصیت پویایی دین را با حفظ اصول و مبانی شریعت تضمین می نماید در درجه نخست قرآن و احادیث متضمن اصول و کلیات و نکات مستتری است که با تحقیق و تدقیق اندیشمندان و خردمندان (اولوالالباب) آن اصول و رموز کشف می گردد از این جنبه درون دینی به جامعیت تعبیر می شود که در آیات و احادیث به آن اشاره شده است .

دین اسلام از آن جهت خاتم ادیان است که جامع حکام و معارف بلندی است که همه نیازهای واقعی و اصولی انسان را در برمی گیرد . انسان دارای تمایلات طبیعی و فطری متعدد و متنوع می باشد دین اسلام همه خواسته های بشر را در نظر گرفته و در تنظیم قوانین فردی و اجتماعی خود سهم هر یک از نیازهای واقعی را به تناسب درجه اهمیت آن در سعادت و کمال انسانی در بهره مندی از مواهب و مزایای حیات و زندگی تعیین نموده است . اصولاً تعالیم اسلام به دور از هرگونه افراط و تفریط متعادل و معتدل وضع شده است و از انسجام و ترابط منطقی برخوردار است و جنبه ای از نیاز بشر را فدای نیاز دیگری ننموده است آیات قرآن و احادیث و سیره پیشوایان معصوم دینی گویای اعتدال و تعادل در مجموعه دین است و جنبه های مادی و معنوی و دنیوی و اخروی انسان و بهره مندی از همه آن موارد در سیستم قانونگذاری عادلانه دینی مورد تأکید و توصیه قرار گرفته است قرآن مجید ، امت اسلام را امت وسط ( متعادل ) و نمونه معرفی نموده است .

و کذلک جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً (۲۳)

« ما شما مسلمانان را با هدایت به آیین اسلام امت متعادل و متوازن قرار دادیم تا گواه و الگوی مردم باشید چنانچه پیامبر (ص) را گواه شما کردیم تا شما از وی پیامورید .»

اینکه خداوند امت اسلام را امت وسط معرفی نموده است به این معناست که از نوعی تعادل و اعتدال برخوردار است به سوی خاصی گرایش افراطی و تفریطی ندارد . قطعاً امت نمونه اسلامی دست پرورده تعالیم و سیستم تربیتی متعادل و متوازن است رعایت توازن در پاسخگویی به تمام نیازها و خواسته های واقعی و اصیل و حکیمانه بشر و اهتمام به آنها در متن دین قرار داده شده است و اعتدال یکی از ابعاد جامعیت

دین اسلام است که زمینه هماهنگی و همراهی تعلیم دینی را در هدایت جوامع مختلف فراهم می‌سازد. (۲۴)

جامعیت دین اسلام به این معناست که اسلام در همه شئون زندگی انسان نظر دارد و رابطه فردی انسان با خدا، روابط اجتماعی و مناسبات اخلاقی و رفتاری و حقوقی بین افراد جامعه روابط خانوادگی، سیستم مدیریتی و حکومتی، روابط انسان با جهان و مظاهر طبیعت و زندگی، مورد اهتمام و توجه قانونگذار اسلام بوده است و با توجه به شئون فردی و اجتماعی انسان قوانین حقوقی، مدنی، جزایی، قضایی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی و اخلاقی وضع نموده است. جامعیت دین اقتضا دارد که دین به همه جنبه های فکری و اعتقادی و بینشی و نگرشی انسان و عبودیت و پرستش، بعد اخلاقی و عملی و مادی و معنوی فردی و اجتماعی، زندگی این جهانی و آن جهانی انسان نظر داشته باشد و برآوردن نیازها و شکوفایی استعدادهاى انسان را سرلوحه برنامه های تربیتی خود قرار داده باشد لازمه جامعیت دین اسلام این است که در تمام ابعاد زندگی انسان نظر و سخن داشته باشد و هیچ نیاز حقی را از انسان و جامعه بشری بدون پاسخ نگذاشته باشد و در متن مقررات و تعلیم خود از تعادل برخوردار باشد و از نگرش تک بعدی در یکی از زمینه ها بدون توجه به سایر زمینه ها به دور باشد دین اسلام نگرش جامع و کلی به انسان و زندگی او دارد. از این رو خداوند دین اسلام را دین کامل معرفی می نماید:

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً» (۲۵)

«امروز (روز عید غدیر) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمت را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم».

روایاتی که بر کامل بودن و غنای محتوایی دین و توانایی پاسخگویی اسلام به نیازهای بشر دلالت دارد در کتاب اصول کافی «باب الرد الی الكتاب و السنة» نقل شده است که نمونه ای از آنها ذیلاً ذکر می شود

عن ابی عبدالله (ع) قال: ان الله تبارک و تعالی انزل فی القرآن تبیان کل شیء حتی والله ما ترک الله شیئاً یحتاج الیه العباد حتی لا یستطیع عبد یقول: لو کان هذا انزل فی القرآن الا و قد انزله الله (۲۶)

«از امام صدق علیه السلام نقل است که فرمود: خداوند در قرآن بیان هر چیزی را

نازل نموده است حتی به خدا قسم هر چیزی را که بندگان به آن نیاز دارد و ننهد است تا کسی بگوید ای کاش این مطلب در قرآن بود مگر آنکه در قرآن نازل شده است. جامعیت دین اقتضای کند که دین از محتوای غنی و منابع پایان ناپذیر، از کلیت، انعطاف پذیری و انطباق و هماهنگی مبانی فکری و اعتقادی و احکام عملی آن با نیازهای ثابت و متغیر بشر برخوردار باشد اسلام در عین اینکه از اصول ثابت و نسخ ناپذیر برخوردار است مبانی اعتقادی و احکام عملی و برنامه ای آن به گونه ای طراحی شده است که در درون خود دستگاهی متحرک دارد که خودش از ناحیه خودش تغییر می کند این نوع طراحی بین بقاء و جاودانگی و ابدیت و تغییرناپذیری اصول با حرکت و تغییر که لازمه زندگی بشر است هماهنگی سازنده ایجاد کرده است و این رمز بقاء و جاودانگی دین در عرصه های مختلف زندگی در ادوار و مراحل تاریخ است دین اسلام نه توقف و ایستایی را توصیه یا تحمیل می نماید نه از اصول سازنده خود دست برمی دارد.

### تمهیدات ساختاری و محتوایی نظام کلی اسلام

علاوه بر جنبه های ثابت دین که اصالت و حقانیت آن را در طول زمان و در بستر تاریخ گذشته و آینده تضمین می نماید جنبه های انعطاف پذیری در ساختار طرح کلی نظام اسلامی اندیشیده شده است که زمینه هماهنگی دین را با تحولات و شرایط زمان فراهم می سازد برخی از این طرح به مبانی نظام قانونگذاری شریعت اسلام و برخی به نظام مدیریت و برنامه ریزی حکومت دینی و برخی به کیفیت به کارگیری اصول و شیوه استنباط احکام شرعی مربوط می شود تمهیدات ساختاری و جنبه های انعطاف پذیر و تدابیر فکری دین اسلام در پاسخگویی به نیازهای روز بر اصول و محورهای زیر قرار دارد:

الف - هدف گرایی و اهتمام به اصول

ب - رعایت مصالح و مفاسد در قانونگذاری

ج - معرفی بودن برخی موضوعات

د - تغییر حکم شرعی در صورت تغییر موضوع

ه - طراحی عناوین ثانویه و حاکمیت آنها بر احکام اولیه

و - منطقه الفراغ یا قلمروهای آزاد حقوقی

ز - اختیارات حکومت اسلامی

ح - اجتهاد و فقاهت به عنوان شیوه معتبر در تفسیر صحیح از دین

### الف - هدف گرایی

یکی از جنبه های مهم دین اسلام هدف گرایی است که زمینه بقاء و جاودانگی آن را فراهم می سازد. قوانین اسلام دارای روح کلی و معنوی و فراتر از جنبه های ظاهری و شکلی است اصول و مفاهیم اساسی دین به عنوان روح در پیکره احکام و معارف دینی جاری و گسترده است و در همه زوایای احکام و دستورات دینی حضور دارد مثلاً توحید مبنایی ترین اصل اعتقادی اسلام در مجموعه احکام اسلامی و دستورات اخلاقی و حقوقی آن گسترده و حضور دارد عدالت یکی از ارکان دین و از جمله مفاهیم اساسی و بنیادی و کلیدی در نظام تائونگذاری شریعت اسلامی است به تعبیری «عدالت در سلسله علل احکام است نه معلولات یعنی آنچه عدالت واقعی است آن را دین می گوید» تحقق عدالت در زمره اهداف و فلسفه نبوت شمرده شده است. (۲۷)

عدالت مبنای قوانین اسلام را تشکیل می دهد و چون روحی سراسر مجموعه مقررات دینی را فرا گرفته است و در مجموعه احکام دینی عنصری ثابت می باشد و نیاز بشر به آن همیشگی است. ابتناء حقوق و قوانین و روابط و مناسبات انسان اجتماعی بر اصل عدالت امری خلل ناپذیر است که با گذشت زمان فرسوده شود.

تقوا و خودنگهداری از انگیزه ها و رفتارهای شر دستور اخلاقی ثابتی است که تغییرات و گذر زمان موجب تغییر اصالت و نقض ارزشمندی آن نمی شود رعایت اصول اخلاقی و ارزشهای انسانی در معاشرت ها و روابط و مناسبات از نظر دین و فطرت و حقوق طبیعی یک دستور ثابت است. قرآن در مورد روابط اجتماعی انسانها می فرماید: « قولو للناس حسنا » (۲۸)

رعایت عدالت و حسن معاشرت در نظام خانواده، یک دستور زنده و کهنه ناشدنی دینی است « وعاشروهن بالمعروف » (۲۹) یعنی با همسران معاشرت به معروف نمایید معاشرت به معروف زیربنای حقوق خانواده در اسلام و مبنای تمام قوانین کلی و جزئی است که درباره حقوق همسر وجود دارد. روح این اصل کلی و ثابت است

گرچه ممکن است بر اثر تحول زندگی اجتماعی و اقتصادی مصادیق و موارد معروف متغیر باشد مثلاً نفقهٔ زوجه بر زوج که در هزار سال پیش در چند چیز و چند رقم کالا محصور بود امروز در همان ها محصور نباشد آنچه را عرف جامعه معروف بدانند مصداق عاشروهن بالمعروف است. حکم به معاشرت به معروف اصلی کلی و ثابت است. آنچه در حیطةٔ تغییر و تحول قرار دارد مصادیق آن است که تحت تاثیر شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی دستخوش تغییر و تحول است.

دین اسلام اهداف و خط مشی و راه وصول به اهداف را ترسیم می نماید و در جنبه های شکلی و ظاهری که متأثر از تغییرات است خود را محصور نمی سازد و هرگز اهداف و مبانی و اصول خود را فدای جنبه های ظاهری و فرعی و نیازهای سطحی و ابتدایی و محصور در بازار و وسایل نمی نماید اسلام بجز مسائل تبعدی آنچه به نیازهای عرفی و اجتماعی مربوط می شود و حکم بزار و وسایل را دارد، جنبهٔ تقدس نمی دهد تا حکم به حفظ آن ظواهر نماید از این رو با مظاهر متغیر و متنوع علم و تمدن تصادم ندارد و با تغییرات زندگی که معمولاً در جنبه های ظاهری و شکلی و ابزاری رخ می دهد ستیز ندارد و با مقتضیات زمان هماهنگی پیدا می نماید قانونی کلی که به هدف و معنی متوجه باشد و در ترسیم و تعیین قوانین و مقررات و حقوق و مناسبات و روابط بین انسانها به ضواهر و شکلهای محصور نباشد انعطاف پذیری با مظاهر نو دارد از این رو استمرار و بقا پیدا می کند.

### ب- احکام دینی بر مصالح و مفاسد واقعی مبتنی است

در شریعت اسلام واقعیات مبنای قانونگذاری و وضع احکام است از این رو بین احکام دینی و مصالح و مفاسد واقعی رابطه حقیقی و علی و معلولی وجود دارد یعنی احکام قبل از جعل و وضع در مرحلهٔ اقتضا همان مصالح و مفاسد واقعی و نفس الامری هستند این مطلب در نوشته ها و گفته های دانشمندان علم اصول فراوان آمده است و در علم کلام نیز از مبانی دینی شمرده شده است. (۳۰)

بر اساس واقعیات نفس الامری و مصالح و مفاسد واقعی احکام و مقررات دینی جعل و مقرر می گردند مصالح و مفاسد به منزلهٔ علل احکام هستند با استعانت از احادیث و روایات که در باب علل الشرایع وارد شده است و از راه سنجش و مقارنه بین

احکام با توجه به مفاد و مضامین روایات و ادله می توان به برخی علل احکام پی برد فقیهان و مجتهدان میگویند احکام الزامی و جویی تابع مصالح ملزم و حرامها تابع مفساد ملزم هستند این دیدگاه به لحاظ تبری نزد همه محققان و مجتهدان پذیرفته شده است طبق این نظر اگر عقل مصلحت مفسده‌ای را کشف کرد و یا تحولات و تغییرات اجتماعی موضوعی را پیش آورد که دارای مصلحت ملزم بود مجتهد می تواند بر اساس آن کشف، فتوا دهد گرچه آن موضوع به طور خاص در کتاب و سنت دارای حکمی نباشد اگر برای عقل و علم صددرصد ثابت شد که مصلحت در موضوعی تغییر کرده است حکم نیز تغییر می کند چون مصلحت ملاک و علت و به عبارتی زیر بنای حکم است با تغییر علت، معلول نیز تغییر می کند آنچه در بین فقیهان بر سر آن اختلاف وجود دارد اختلاف در مصادیق آن و به عبارتی نزاع صغروی است در بحثهای اصولی که از تزامم بین احکام و تقدیم اهم بر مهم بحث می شود این اصل مورد توجه است که احکام مبتنی بر مصالح و مفساد واقعی هست از این رو نزد شیعه امامیه چنین مقرر است که احکام شرعی (اعم از حلال و حرام و واجب و مستحب و مکروه و مباح) بر اساس ملاکهایی که همان مصالح و مفساد بندگان است وضع شده است اگر آن ملاکها نبود احکام نیز از ناحیه شارع مقرر نمی شد و چنانچه ملاکها و مصالح و مفساد بر حسب شرایط در موضوعی تغییر نماید حکم نیز تغییر می کند و یا حکم تعمیم و توسعه می یابد برای مثال در متن دلیل حرمت شراب آمده است «الخمیر حرام لانه مسکر» علت و ملاک حرمت شراب، مستی زا بودن آن ذکر شده است یعنی شکرآوری (مستی زائی) موجب و علت حرمت شراب است بنابراین فقیه در صورت دستیابی به علت حکم در کلیه اموری که مستی زائی وجود دارد اعم از مورد منصوص و سایر موارد، حکم حرمت را توسعه دهد و در مصالح فردی و اجتماعی نیز مطلب همین گونه است که پیدایش مصلحت ملزم فردی و اجتماعی می تواند ملاک حکم الزامی و فتوا دادن بر اساس آن باشد و چنین نگرشی به احکام دینی بسیاری از بن بست های قانونی را در جامعه دینی می گشاید و معضلات اجتماعی را حل می کند.

### ج - عرفی بودن برخی موضوعات

موضوعات احکام شرعی دو گونه است برخی موضوعات شرعی اند به این معنا که شارع راجع به حکم و موضوع هر دو نظر دارد مثل نماز و بعضی موضوعات عرفی و عقلایی است و شارع در تأسیس آنها نظر ندارد و نیاز انسان اجتماعی و روابط و مناسبات افراد بایکدیگر یا با اجتماع آن را پدید آورده است مثل عقود و ایقاعات و تعهدات، شارع در این موارد نظر عرف و عقلاء را امضاء نموده است این گونه موضوعات و احکام را امور امضایی می خوانند امور امضایی ممکن است از شرایع گذشته باشد و ممکن است از آداب و رسوم و عرف جامعه آن روز و از امور عقلایی که نزد انسانها مقبول و پسندیده است باشد از نظر شریعت اسلام عرف و عادت و آداب و رسوم و قراردادهای و معاملات و تأسیس های عرفی چنانچه با اهداف و روح دین و احکام آمره و الزامی دین منافات نداشته باشد در دین پذیرفته شده است.

ملاک و معیار تشخیص عرفی و عقلائی مقبول آن است که عقلاء بر آن اقدام می نمایند و آن را نافع می دانند و استنکاری نسبت به آن انجام نمی گیرد چنانچه با اصول و مبانی دین ناسازگاری نداشته باشد مورد تأیید و امضاء شارع است از این رو در مورد عقود مستحدث و جدید که با اصول و احکام صریح شرعی منافات نداشته باشد با توجه به قوانین کلی و عمومات و اطلاعاتی چون « اوفوا بالعقود »<sup>(۳۱)</sup> مورد به صحت و درستی آن مراد حکم می شود.

بنای عقلاء در فقه و مبانی حقوق اسلامی از موقعیت ممتازی برخوردار است در کشف مراد آیات و احادیث و حجیت ظهورات و شیوه استدلال و کاربرد دارد. آنچه به نام سیاسات و معاملات خوانده می شود و روابط و قراردادهایی چون داد و ستد، ارث، صلح، اجاره، مضاربه مزارعه و مساقات و قضاء و امثال اینها بر اساس بناء عقلاء تأسیس شده است بناء عقلاء همان معقول عرفی است که عقلاء بر حسب نیاز اجتماعی به آن رسیده اند و از نظر آنها معقول و مقبول است.

قرآن مجید به پیامبر خطاب می فرماید: « خذ العفو و امر بالعرف »<sup>(۳۲)</sup> مفهوم عرف در این آیه عام است شامل عرف دینی و عقلایی می شود در کنار معروف دینی، آنچه نزد مردم خردمند عمل پسندیده شناخته شده، عرف نامیده می شود.

یکی از جنبه های انعطاف پذیری دین با تحولات و جریانات اجتماعی همین نکته

است که در بسیاری موارد شارع فقط احکام را بیان می‌دارد و موضوعات را به عرف و عقلاء نهاده است و در صورتی که شیوه عرف با اصول و مبانی و روح کلی دین مبیانت نداشته باشد آنها را امضاء نموده است و مانع دیدگاههای عرف و عقلاء در نیازهای جدید نشده است از این منظر موضوعات عرفی محدود و منحصر به امور رایج در زمان شارع نیست. (۳۳)

#### د - تغییر موضوع حکم

بخش عمده احکام دینی به لحاظ طبیعت کلی موضوع، وضع شده است در اصطلاح منطق این نوع قضیه را قضیه حقیقیه می‌خوانند بدین معنی که در این نوع قضیه تنها افراد خارجی بالفعل قضیه مورد نظر نیست بلکه اعم از افراد موجود و آنچه موجود می‌باشد مورد نظر است جعل حکم در قضیه حقیقیه، کلی و از جهتی ثابت و از جهتی متغیر است به لحاظ خود حکم ثابت است مگر اینکه نسخ شود و به لحاظ ارتباط و نسبت حکم با موضوع متغیر است بدین معنی که حکم تابع تحقق و عدم تحقق موضوع است اگر موضوع وجود یابد حکم فعلیت پیدا می‌کند و اگر موضوع نباشد حکم نسبت به مکلف فعلیت ندارد. اصولاً شارع فقط در ناحیه حکم اظهار نظر می‌نماید تحقق موضوع و تحول در آن از نظر شارع آزاد است و در پی آن نیست که موضوع تحقق پذیرد یا محقق نشود به عبارت اصولی ها حکم محقق و حافظ موضوع خود نیست از این رو شارع در صورت حفظ موضوع دستور به حفظ حکم شریعت و عمل به آن می‌دهد و چنانچه در موضوع و ویژگیهای آن تغییری حاصل شود و موضوع از وضعیت قبلی خود بیرون رود قهراً حکم آن نیز می‌رود. مثلاً ز نظر حکم شرعی، شراب نجس و حرام است حال چنانچه طبیعت شراب عوض شود و به مایع دیگری تبدیل گردد مثلاً شراب در شرایطی تبدیل به سرکه شود و خاصیت مستی زائی آن از بین برود نجاست و حرمت که حکم شرعی آن موضوع است ز بین می‌رود همه جا حکم بر محور موضوع دور می‌زند اگر موضوع با خصوصیات و ویژگیهایش ثابت باشد، حکم آن ثابت است با دگرگونی موضوع یا خصوصیات آن، حکم آن موضوع نیز تغییر می‌نماید شریعت بر ثبات حکم خود در فرض تحقق موضوع تاکید می‌ورزد نه بر ثبات و تغییرناپذیری موضوع. از این رو اگر موضوع

تحت شرایط خاص زمانی و مکانی و شرایط اجتماعی و غیره تغییر نماید یا اصولاً موضوع جدیدی رخ دهد حکم شریعت نیز بلحاظ تغییر موضوع یا پیدایش موضوع جدید عوض می شود.

از این زاویه (تغییرپذیری موضوع) نیز جنبه انعطاف پذیری دینی با شرایط جدید اجتماعی و تحولات در زندگی، اثبات می شود فقیه با توجه به قواعد کلی فقهی شرعی از متن خود دین برای موضوعات جدید حکم مناسب با آن موضوع را استنباط و بیان می نماید امام خمینی (ره) که نقش زمان و مکان را در اجتهاد طرح و بر آن تاکید نمودند بر اساس این نکته نظر داده اند که مجتهد باید موضوع شناس باشد و با توجه به شناخت موضوع، حکم فقهی را بیان دارد.

« زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند مسأله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد » (۳۴)

از سخن شیخ انصاری در مبحث استصحاب نیز استفاده می شود که تغییر حکم تابع تغییر موضوع است وی در مبحث استصحاب می فرماید: « شک در بقای حکم مستصحب به سوی شک در موضوع حکم برمی گردد شک در بقای حکم به معنای شک در استمرار حکم فی حد نفسه نیست آیا حکم سابق نسخ شده است و اعتبار آن پایان یافته است یا هنوز باقی است؟ بلکه شک در اینست که آیا موضوع حکم با همان خصوصیات سابق باقی است تا هنوز تحت حکم شرعی و مجعول سابق ثابت و باقی باشد یا موضوع تغییر کرده است تا از شمول حکم بیرون رفته باشد عوض شدن حکم در اینجا به معنای این است که موضوع، مندرج تحت عنوان حکم نیست و موضوع به آن حکم متصف نمی باشد نه اینکه خود حکم تغییر کرده باشد و به عبارتی ارتفاع حکم به واسطه ارتفاع موضوع آن است و در واقع ارتفاع حکم به تبدل عنوان موضوع برمی گردد. » (۳۵)

از این بحث مختصر نتیجه گیری می شود که احکام فقهی دائر مدار موضوعات هستند و موضوعات با زندگی مردم آمیختگی دارند و زندگی مردم تحت تاثیر شرایط

زمان و مکان و تحولات متغیر می‌باشد و نیازها و مقتضیات خاص و ویژه‌ای را اقتضاء دارد. بنا بر شرایط مقتضیات زمان گاهی موضوعات جدیدی مطرح می‌گردد که در سابق نبوده است مانند بانک، بیمه، حقوق بین‌الملل که در گذشته وجود نداشته است و گاهی موضوع سابق در شرایط جدید متغیر می‌گردد و فقهاء و کارشناسان اسلامی باید برای موضوعات جدید و مسائل مستحدثه وظیفه دینی مردم را بیان دارند و توجیه دینی اسلامی نسبت به رخدادهای و پدیده‌ها داشته باشند تا مردم طبق موازین شرعی بتوانند نسبت به موضوعات جدید برخورد داشته باشند و دچار بلا تکلیفی نشوند رعایت مقتضیات زمان و پایبندی به اصول و موازین شرعی پویایی و تحرک فقه را در عرصه تحولات اجتماعی تضمین می‌نماید.

## ه- عناوین ثانوی

در دانش استنباط و فقهات احکام شرعی بر دو بخش تحت عنوان احکام اولی و ثانوی تقسیم می‌گردد احکام شرعی در مرتبه نخست به عنوان اولی بر موضوعات خود جعل شده است مثلاً حکم حرمت بر موضوع شراب از آن جهت جعل شده است که شراب واقعیتی است دارای ویژگیهای خاص و منشأ یک سری مفاسد می‌باشد در احکام اولی حالات عادی مکلف از قبیل عقل و اختیار و بلوغ او در جعل حکم لحاظ شده است مثلاً روزه بر فردی واجب است که علاوه بر شرایط عمومی تکلیف، روزه بر او ضرر نداشته باشد حال چنانچه فرد مکلف در شرایطی قرار گیرد که به آشامیدن شراب مضطر شود یا روزه گرفتن او موجب ضرر و زیان جسمی و بیماری او شود حکم اولی شریعت (حرمت در شراب و وجوب در روزه) در شرایط اضطراری و ضروری رفع می‌گردد و حرمت به حلیت و وجوب روزه به حرمت متبدل می‌شود، اضطرار و ضرر و عسر و حرج عناوین ثانوی هستند که چنانچه بر حالات مکلف عارض شوند زمینه دگرگونی حکم اولی فراهم می‌شود.

عناوین ثانوی اختصاص به احکام فردی و عبادی ندارد و مواردی را که جنبه عمومی و اجتماعی دارد نیز شامل می‌شود مثلاً مالکیت فرد به ساختمان و زمینی که در مسیر خیابان قرار گرفته است و نیاز عمومی و ضرورت اجتماعی به حل مشکل رفت و آمد در مورد آن وجود داشته باشد آثار حقوقی آن محدود می‌گردد. (۳۶)

احکامی که با توجه به عناوین ثانوی جعل و رفع می شود نسبت به سایر قوانین که به عنوان اولین جعل شده است حاکمیت دارد و قواعدی چون قاعدهٔ لاضرر و رفع عسر و حرج نسبت به سایر احکام نقش کنترل کننده دارد و بر تمام قواعد و قوانین اسلام حاکم و ناظر است طرح قواعد حاکم و عناوین ثانوی در مجموعهٔ قوانین و مقررات اسلامی عاملی است که انعطاف پذیری در قانون و فقه اسلامی ایجاد می کند و آن را با شرایط مختلف اجتماعی و زمان قابل انطباق می سازد.

اسناد شهید مطهری در این مورد می نویسد: «چیز دیگری که به مقررات اسلامی قابلیت انعطاف و تحرک و انطباق بخشیده است و آن را جاوید نگه می دارد وجود یک سلسله قواعد کنترل کننده است که در متن مقررات اسلامی قرار گرفته است فقهاء نام بسیار زیبایی روی آنها نهاده و آنها را قواعد حاکمه می نامند یعنی قواعدی که در سراسر فقه بر احکام و مقررات اسلامی تسلط دارد و بر همهٔ آنها حکومت می نماید ماننده قاعدهٔ حرج و لاضرر، این قواعد مانند یک عده بازرس عالی احکام و مقررات را تحت نظر دارد. (۳۷)»

در مورد عناوین ثانوی ذکر این نکته لازم است که در موضوع حکم تغییری حاصل نشده بلکه شرایط و احوال مکلف فرق کرده است و عناوین ثانوی مانند اکراه، اضطراب عسر و حرج و ضرر تابع شرایط و احوال مکلف است گاه تکلیفی در شرایط عادی بر مکلف واجب است و در وضعیت و شرایط عسر و حرج و یا ضرر و جوب آن رفع می شود. عناوین ثانویه در تنظیم و جعل احکام مورد توجه شارع بوده است و به صورت قاعدهٔ کلی گفته شده است «ما من حرام الا وقد احله الاضطرار» (۳۸)

از این رو می توان گفت احکام شرعی که به مقتضای اصل اولی جعل شده است با توجه به شرایط و حالات ممکن است تغییر یابد همانطور که گفته شد طرح عناوین ثانوی در احکام شرعی به احکام فردی مثل وضو، و روزه اختصاص ندارد و بُعد اجتماعی و سیاسی احکام را نیز شامل می شود البته زمام امور در احکام اجتماعی به دست حکومت اسلامی سپرده شده است که می تواند بر اساس مصالح و مفاسد اجتماعی تصمیم گیری نماید.

## و - منطقه الفراغ

مواردی که شارع در آن حکم شرعی ثابت ندارد و نص شرعی نسبت به آن وارد نشده است به منطقه الفراغ<sup>۳۹</sup> یا « منطقه العقو » تعبیر می شود از چنین مواردی در زبان فارسی به « قلمروهای آزاد حقوقی »<sup>(۳۹)</sup> یاد می شود یکی از جنبه های انعطاف پذیری دین اسلام و از جنبه های جامعیت دین اسلام همین « منطقه الفراغ » است .

شهید مطهری در این زمینه می نویسد : « بعضی خیال می کنند چون دین اسلام دین جامعی است پس باید در جزئیات هم تکلیف معینی روشن کرده باشد اتفاقاً جامعیت اسلام ایجاب می کند که اساساً در بسیاری از امور دستور نداشته باشد نه اینکه هیچ دستوری نداشته باشد بلکه دستورش اینست که مردم آزاد باشند و تکلیفی در آن امور نداشته باشد »<sup>(۴۰)</sup> شهید صدر در مورد منطقه الفراغ می نویسد : « منطقه الفراغ خلاء و نقص در شریعت اسلام نیست و اینگونه نیست که شریعت از کنار برخی وقایع و پدیده ها با اهمال گذر کرده است بلکه منطقه الفراغ گریای جامعیت و کلیت شریعت نسبت به تحولات و تغییرات زمان است و قدرت هماهنگی شریعت با پدیده های هر عصر و تحولات هر دوران را بالایی برد. »<sup>(۴۱)</sup>

یکی از جنبه های جامعیت و فراگیری سیستم قانونگذاری اسلام اینست که در غیر اصول و مبانی و اهداف خود مواردی را آزاد گذاشته است تا طبق شرایط و نیازها تکمیل گردد چون اگر دین در غیر مورد اصول ثابت و اهداف کلی شریعت ، قوانین یکنواخت و ثابت جعل می کرد نوعی جمودگرایی بود و به لحاظ تحول جوامع نقص به حساب می آمد .

میدان های آزاد حقوقی زمینه های متغیر و سناوری هستند که در کنار اصول و اهداف ثابت لحاظ شده اند و بر اساس مصالح و با توجه به اهداف در کنار اصول تشریحی اتخاذ شده اند و اختیار قانونگذاری در آن موارد چه به صورت جعل یا منع بر حسب شرایط خاص و مصالح و مفاسد اجتماعی به ولی امر مسلمین سپرده شده است .  
دولت اسلامی دارای دو وظیفه عمده است :

- ۱- بر اجرا و تطبیق احکام و عناصر ثابت تشریح ، نظارت و دخالت می نماید .
  - ۲- طبق شرایط جدید اجتماعی مطابق نیازها، مقررات متناسب را وضع می نماید .
- چون قوانین شرعی ، ثابت و ماندگار است حکومت در آن دخالت نمی نماید اما در

موارد سکوت، و قلمرو حقوقی آزاد که شارع در آن موارد حکم و نصّ خاصی ندارد و شریعت اسلام بدان نپرداخته است دولت اسلامی « منطقه الفراع » را پر می نماید دست حکومت نسبت به شرایط متحول در موارد غیر منصوص باز است تا در عینیت بخشیدن به اهداف کلی نظام موفق باشد حکومت اسلامی بر اساس عدلت و مصلحت جمعی در موارد خلاء قانونی به وضع و جعل قانون می پردازد شریعت اختیار پرکردن منطقه الفراع را به حکومت داده است تا مطابق شرایط متحول و متغیر زندگی آن را پر نماید. (۴۲)

حکومت اسلامی در چنین مواردی نظر عرف و عقلاء را نیز می پذیرد و چون روش پسندیده عقلاء مورد تأیید شارع است می توان گفت عرف و عاداتهای حسنه اجتماعی یا مقررات و قوانین مورد نیاز که از جانب عقلاء وضع می گردد شارع حکمی در مورد آن بیان ننموده و بدان ترخیص داده است مورد تأیید شریعت است. از این رو ما با مواردی برخورد می کنیم که شارع در زمینه آنها قانونی وضع ننموده است لکن مورد تأیید نظام اسلامی است مثلاً قوانین صادرات و واردات، گمرک و حمل و نقل هوایی و دریایی، مقررات بهداشت و محیط زیست ثبت اسناد و املاک احوال و علائم، اختراعات و کشتی و مقررات نفت و دانشگاهها توسعه معابر مورد تأیید و امضاء نظام اسلامی است.

### ز- اختیارات حاکم اسلامی

پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) علاوه بر آن که مبلغ و مبین احکام الهی بوده اند اجرای احکام الهی و زعامت و ولایت بر جامعه نیز بر عهده آنان بوده است آثار و احادیث نبوی و سنت ائمه (ع) بر همین منوال برد و بخش می باشد که تفکیک این دو بخش در تبیین مبانی حکومت دینی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

برخی احادیث و روایات جنبه تبلیغی دارد به این معنا که متضمن احکام شریعت است که پیامبر مأمور ابلاغ آنها به مردم بوده است همانگونه که آیات قرآن چنین است برخی احادیث جنبه ولایی و حکومتی دارد به این معنا که بیانگر اوامر و نواهی پیامبر و امامان (ع) به عنوان حاکم مسلمین می باشد ثبوت این دو شأن یعنی تبلیغ احکام الهی و ولایت بر جامعه برای پیامبر و امامان با توجه به ادله شرعی انکارناپذیر است.

از جمله این دلیل‌ها آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» (۴۳) می‌باشد که با توجه به تکرار اطیعوا و در سیاق واحد بودن رسول و اولی الامر در اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم «این نکته استفاده می‌شود که اطاعت از رسول و اولی الامر در مورد احکام تبلیغی و تشریحی الهی نیست چون احکام شرعی که پیامبر مأمور به ابلاغ آنها شده‌است همان احکام الله است که در بخش نخست آیه «اطیعوا الله» به آن امر شده است و مقصود در مورد اطیعوا الرسول اطاعت از احکام ولایی و حکومتی است و شارع اسلام (خداوند) شأن ولایت و اجازه دستور به پیامبر و اولوالامر داده‌است از این رو به فرمانبری از ایشان دستور به اطاعت «اطیعوا...» داده‌است. اوامر و نواهی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) در زمینه احکام الهی ارشادی است و ناظر به احکام الله است که قانونگذار آن خداوند است اوامر و نواهی پیامبر و ائمه در این موارد همانند اوامر و نواهی فقهاء نسبت به مقلدان خود است و از این رو مخالفت مردم با فتوای فقهاء مخالفت با حکم خدا به شمار می‌ورد نه مخالفت با فقیهان تمایز احکام الهی و ولایی در مقام ثبوت در این نکته است که احکام الهی بر اساس مصالح کلی و دائمی وضع شده و از این رو ثابت و تغییرناپذیر است و از این نوع احکام به احکام تشریحی تعبیر می‌شود اما احکام حکومتی، مقطعی و بر حسب موقعیت و بر اساس مصالح زمان صادر می‌شود. احکام شرعی کلی، دائمی و وحیانی است و پیامبر (ص) بی‌کم و کاست آنها را به مردم ابلاغ می‌نماید اما تأمین مصالح موقعیتی و رعایت با نیازهای زمان بر عهده پیامبر نهاده شده است از آن جهت که دارای شأن ولایت و حکومت است. و پیامبر (ص) به عنوان حاکم اسلامی با تشخیص مصالح آنها را تأمین می‌نماید این گونه امور در مرحله اجراء رخ می‌دهد و روشن است حوزه اجراء از حوزه ابلاغ و استنباط و فقاقت جداست.

ناگفته نماند که مشروعیت احکام حکومتی و ولایی نیز از ناحیه خدا و جعل ولایت از جانب او صورت می‌گیرد اگر پیامبر و اولوالامر حق ولایت نمی‌داشتند خداوند به اطاعت از ایشان امر نمی‌کرد.

در دوره غیبت بنا به مفاد دلیل‌های شرعی شأن ولایی و حکومتی پیامبر و امامان (ع) به فقهاء و نظام حکومت اسلامی تفویض شده است.

مرحوم آیه‌الله نائینی در مورد وظایف و اختیارات نظام حکومت دینی در یک تقسیم‌بندی و تفکیک بشؤون وظایف فقیهان می‌گوید: (۴۴)

وظایف مربوط به نظام حکومت اسلامی و سیاست امور، بر دو بخش است:

۱- احکام منصوصی که وظیفه عمل به آن به طور خاص تعیین شده و در شریعت مطهره آن احکام مضبوط است.

۲- موارد غیرمنصوصی که وظیفه عمل به آن تحت ضابطه خاص و میزان مخصوص معین نشد، است و به نظر ولی و حاکم نوعی اسلام، موکول است (نقل به مضمون) به بیان دیگر، احکام فقهی که مربوط به عمل مکلف و نظام اداری حکومت می‌باشند به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- احکام فقهی ثابت مانند احکام شرعی الزامی اعم از واجب و حرام، این نوع دستورات همواره ثابت است و با اختلاف زمان و مکان تغییر نمی‌کند مانند احکام مربوط به رجوب نماز و روزه و حج و غیره که همیشگی و ثابت است و هیچکس جز شارع حق جعل و تشریح احکام شرعی و تغییر آن را به طور دائم ندارد حکومت اسلامی در مورد احکام شرعی باید مراقبت کند که در عمل پیاده شود تا از تغییر و تحریف و تحویل صیانت گردد.

۲- احکام حکومتی و ولایی که اختیار مربوط به آن در زمینه اداره جامعه اسلامی به پیامبر اسلام (ص) داده شده است و پیامبر طبق تشخیص و اختیار خودش عمل می‌کند این اختیارات از پیغمبر (ص) به امام معصوم (ع) و از امام به ولی شرعی مسلمانان (فقیه) منتقل شده است نمونه آن حکم میرزای شیرازی در تحریم نبا کواست. روشن است در موارد احکام حکومتی، اختیار رضع قوانین مطابق مصلحت اجتماعی به دست حکومت سپرده شده است و حکومت می‌تواند دایره آن را توسعه دهد و یا محدود سازد احکام ولایی به مدیریت جامعه اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد نظام زندگی مسلمانان مربوط می‌باشد.

مرحوم نائینی در تمایز بین دو نوع احکام شرعی و ولایی می‌گوید:

« احکام نوع اول (منصوصات شرعی) به اختلاف اعصار و امصار نابل تغییر و اختلاف نیست. »

« احکام نوع دوم تابع مصالح و مقتضیات است اعصار و امصار است به اختلاف

آن قابل اختلاف و تغییر است» (۴۵)

چون مصالح و مقتضیات هر عصر با عصر دیگر فرق دارد احکام مصلحتی و موقعیتی و ولایی در معرض نسخ و تغییر می باشد.

مرحوم علامه طباطبائی در مورد مقررات حکومتی می گوید:

«مقررات قابل تغییر که به حسب مصالح مختلف زمانها و مکانها اختلاف پیدا می کند به عنوان آثار ولایت عامه منوط به نظر نبی اسلام و جانشینان و منصوبین از طرف اوست که در شعاع مقررات ثابت دینی و به حسب مصلحت وقت و مکان آنرا تشخیص داده و اجراء می نماید اینگونه مقررات تغییرپذیر به اصطلاح دینی احکام و شرایع آسمانی محسوب نمی شود و دین نامیده نشده است.» (۴۶)

احکام ترخیصی و موارد غیرمنصوص و اباحه ها در قلمرو احکام ولایی و حکومتی قرار دارد منظور از احکام ترخیصی مواردی است که شریعت انجام دادن آنها را برای انسانها الزامی نکرده است بلکه برای آن رخصت و اجازه ترک مقرر کرده و آزادی اعطاء نموده است این آزادی یک حکم شرعی و مقتضای اصل اولیه است ولی محدوده آن به دست حکومت اسلامی سپرده شده که می تواند بر اساس مصالح و مفاسد آن را تغییر دهد.

مرحوم نائینی در مورد احکام حکومتی می گوید:

«نسم دوم از سیاست نوعیه (احکام ولایی و حکومتی) در تحت ضابط و میزان معین مندرج نیست و به اختلاف مصالح و مقتضیات، مختلف است از این جهت در شریعت مطهره غیرمنصوص و به مشورت و ترجیح من له ولایة النظر موکول» (۴۷)

و در مورد تغییرپذیری احکام ولایی می گوید:

«نظر به اختلاف مصالح و مقتضیاتش به اختلاف اعصار لامحاله مختلف و در معرض نسخ و تغییر است» تنظیم و اجرای برنامه های دینی و رعایت مصالح و رفع تنگناها از اختیارات خاص حکومت اسلامی است حکومت اسلامی در شرایط جدید و نیازمندیهای نو با توجه به اصول و مبانی اساسی اسلام، یک سلسله مقررات وضع می نماید که در گذشته موضوعاً منتفی بوده است، احکام ولایی به مدیریت جامعه بر اساس مصالح و مفاسد مسلمانان و نظام زندگی آنها مربوط می شود در دوره غیبت ولی فقیه از طرف شارع مجاز به تصمیم گیری و صدور حکم است، احکام ولایی

جمعیت شئون زندگی انسان را در برمی گیرد از این رو می توان گفت نظام حکومت دینی متوقف و ایستا نیست و در مورد تغییرات و تحولات مربوط به زندگی مردم و نیازهای نوحی تصمیم گیری دارد. و با رعایت موازین شرعی و رعایت مصالح و آگاهی به اوضاع جهان به پاسخگوئی و قانونگذاری می پردازد. (۴۸)

### ح - اجتهاد

کلید اصلی برای گشودن بن بست ها و حل معضلات اجتماعی جامعه دینی، اجتهاد و فقاقت است اجتهاد بر منابع پایان ناپذیر و اصول معتبری متکی است که توانائی دین را در هماهنگی با تحولات بالا می برد و وظیفه شناخت و تبیین احکام عملی دین در عصر خاتمیت و پس از عصر حضور امامان معصوم (علیه السلام) بر عهده مجتهدان است. عالمان دینی وظیفه مرزرداری از حدود فکری و عقیدتی و تبیین اصول و معارف دینی را بر عهده دارند و گروهی از عالمان دینی که نقیبهان نامیده می شوند عهده دار تبیین احکام مسائل زندگی هستند. وظیفه تشخیص نیازها و پاسخگویی به آنها بر عهده فقیهان و مجتهدان کارشناس و خبره نهاده شده است. و آنچه پیامبران در گذشته انجام می دادند و برنامه مخصوص برای یک جامعه خاص از جانب خداوند می آوردند در دوره اسلام علما و رهبران امت باید انجام دهند با این تفاوت که علماء و مصلحین با استفاده از منابع پایان ناپذیر وحی اسلامی برنامه های خاصی تنظیم می کنند و آن را به مرحله اجرا می گذارند استفاده از منابع دینی و استنباط احکام و استخراج قوانین فقهی از منابع معتبر اصطلاحاً اجتهاد نامیده می شود. (۴۹)

اجتهاد در معنای لغوی عبارت است از به کارگیری سعی و تلاش به قدر توان در کاری که دست یازیدن به آن آسان نباشد و رنج و مشقتی را برای دستیابی به مقصود همراه دارد. (۵۰)

واژه اجتهاد در بسیاری از سخنان پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به همان معنای لغوی آمده است مثل «صلُّوا علی واجتهدوا فی الدعاء» و به مرور در معنای اصطلاحی فعلی تعین پیدا نموده است. در تعریف اصطلاحی اجتهاد که از نظر منطقی جامع و مانع باشد اختلاف نظر وجود دارد پس از نقد و بررسی تعاریف

اصطلاحی اجتهاد، بهترین تعریف را که صاحب نظران پذیرفته اند صاحب کفایة الاصول گفته است، از نظر وی اجتهاد عبارت است از به کار گرفتن توان در راه تحصیل و یافتن حجت بر حکم شرعی.<sup>(۵۱)</sup>

از این رو می توان اجتهاد را در مفهوم اصطلاحی آن به معنای تلاش و کوشش در جهت تحصیل حجت شرعی بر حکم فقهی از منابع معتبر دانست. منابع معتبر استنباط احکام فقهی که به طور عمده مورد مراجعه فقیهان قرار می گیرد قرآن و سنت است البته در کنار کتاب و سنت اجماع و عقل نیز در زمره منابع فقه شمرده می شود. از این رو مجتهد برای استنباط احکام از منابع کتاب و سنت به پژوهش می پردازد تلاش او در قرآن مصروف کشف و استظهار ظهورات و مرادات آیات کتاب مجید که در زمینه احکام فقهی و حقوقی (آیات الاحکام) نازل شده می گردد مجتهد با توجه به ادله مفسر و مخصص و مقید، نهایت تلاش خویش را در زمینه استخراج و استنباط احکام فقهی به کار می گیرد در بخش سنت، دستیابی به احکام فقهی و تحصیل حجت شرعی مبتنی بر تلاش گسترده تری است که بدون آن تلاش دستیابی به فهم مقاصد احادیث و روایات ناممکن است بررسی اسناد روایات بحث از احوال تک تک رجال سند حدیث از جهت وثاقت و عدم آن و اتصال و انقطاع سند حدیث، وحدت و تکرار سلسله سند حدیث، یا توجه به شرایط و زمینه صدور احادیث و شناخت مخاطبان خاص امامان (علیهم السلام) و آگاهی از قرائن حالی و مقامی از احادیث و روایات از جمله کارها و تلاش های طاقت فرسای مجتهدان است از آنجا که ممکن است صدور حدیث از معصوم با توجه به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی و مذهبی و سیاسی بوده باشد. و کلام معصوم (ع) ناظر به فضای فکری آن جامعه یا مخاطب خاص بوده باشد آگاهی از شرایط و بافت و فضای اجتماعی و سیاسی و مسائل عمده و رایج در هر عصر و دوره، در درستی اجتهاد و صواب نظر مجتهد اهمیت خاصی دارد. هر چه از دوره امامان (ع) گذشته، و فاصله تاریخی با عصر ائمه (ع) ایجاد شده است گستره تلاش مجتهدان و مشقت راه بیشتر شده است تتبع و بررسی و تحقیق در مورد متون و اسناد احادیث با توجه به گستردگی ابواب فقه کار شاق و پرزحمتی است که صرفاً انسانهای وارسته و با استعدادی که از مرهبت ها و توقیقات لهی بهره مندند توانائی تحمل چنین مسئولیتی را دارند و به جهت سنگینی کار و تلاش طاقت فرسای حرکت

و سیر در استنباط احکام پیمودن این راه را «اجتهاد» نامیده‌اند. (۵۲)

اجتهاد تلاش ضابطه‌گرایانه‌ایست که دارای متد و روش خاصی در جهت استنباط احکام شرعی است جهت دستیابی به ضوابط فقهت و اجتهاد، دانستن یک سری از علوم که علوم مقدماتی اجتهاد نامیده می‌شود ضروری است. علوم چون ادبیات عرب، منطق، تاریخ و حدیث، رجال و درایه و شناختن قواعد فقهی و صاحب نظر شدن در مبانی استنباط (اصول الفقه) و آگاهی بر فقه سایر مذاهب فقهی اسلامی که در زمان صدور روایات از ائمه (ع) رواج داشته است از جمله علوم مقدماتی فقهت و اجتهاد است در زمینه علوم قرآنی باید تفسیر آیات، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، آیات الاحکام را بداند در سنت، حدیث معتبر را از غیر معتبر تمیز دهد و اقسام اجماعات و اعتبار آنها را بشناسد قدرت استفاده از قواعد فقهی و اصولی و مبانی عرفی و عقلانی را در آیات و احادیث داشته باشد و توانایی اعمال قواعد و کلیات فقه را بر موارد و مصادیق داشته باشد و از نتایج مسائل اصولی در قیاس استنباط بتواند بهره‌گیری نماید. (۵۳)

اجتهاد و تفقه شیوه و وسیله استنباط احکام است و روش فنی مبتنی بر اصول و مبانی علمی است که جهت دستیابی به حجت شرعی در مورد حکم دینی به کار گرفته می‌شود و می‌توان اجتهاد را نوعی تخصص فنی و اهلیت برای استنباط حکم شرعی مبتنی بر منابع معتبر معنی نمود.

### - ضرورت اجتهاد

دلیل نیازمندی به اجتهاد در محدوده احکام شرعی عملی از آن جهت است که وحی و نبوت خاتمه یافته است و در عین حال دین باقی و جاودانه است و دسترسی به سرچشمه علوم دینی از راه مراجعه به امامان معصوم (ع) در عصر غیبت ناممکن شده است. جاودانگی و جامعیت و جهانشمولی دین از مبانی مسأله جواز اجتهاد است اگر دین اسلام نسخ می‌شد و استمرار آن قطع می‌گردید و مدت دینداری بشر پایان می‌یافت و بشر نیازمند به دین نبود اجتهاد و فقهت نیز بی‌مورد و بی‌موضوع و بی‌معنا بود، دیگر آنکه دین خاتم نسبت به جنبه‌های زندگی شأن هدایتگرانه دارد و از زندگی انسان برکنار نیست و اینگونه هم نیست که دین امری مقدس و دست نیافتنی

باشد از این رو لازم است به نیازهای جوامع بشری پاسخ دهد و همپای تحولات زندگی به هدایت بپردازد.

نیاز به اصل اجتهاد زنده و متحرک در هر عصر و زمان بدان جهت است که احکام فقهی مطابق نیازها و مقتضیات عصر که برخاسته از تحولات اجتماعی است نیاز به تبیین و توضیح دارد. با توجه به اینکه احکام شریعت به طور عمده در قرآن و در مواردی از سنت، به صورت اصول کلی و محدود بیان شده است. و نیاز به تفصیل و تبیین دارد به عبارت دیگر، دین، اصول و کلیات ثابت تغییر ناپذیر و محدودی را در اختیار بشر گذاشته است لکن موضوعات و مسائل و مواردی که به مرور زمان بنا به اقتضای تحول جوامع رخ می‌دهد نامحدود و متغیر است حلقه اتصال آن اصول محدود و مسائل نامحدود، اجتهاد است. بررسی و تحلیل اصول و مبانی استنباط و استخراج احکام فرعی از اصول استنباط و انطباق آن بر موضوعات و وظیفه دینی است که بر عهده عالمان و مجتهدان نهاده شده<sup>(۵۴)</sup> تا در مواجهه با حوادث و مسائل نامحدود و متغیر و متحول و پیش آمدهای عصر به اجتهاد و تفقه بپردازند.

مشروعیت اجتهاد در واقع مبنای تلاش گسترده در اندیشه دینی است که از جامعیت و زندگی ساز بودن دین اسلام حمایت می‌نماید از این رو تحولات و تقاضاهای زمان در متن دین ملاحظه شده است و تغییرات اصولی و مبتنی بر نیازهای واقعی انسانها مورد توجه دین قرار گرفته است و قرآن صریحاً به تفقه و فهم عمیق دین دستور داده است و اجتهاد نیز مورد تأیید و ترغیب پیامبر و امامان معصوم بوده است. (۵۵).

سَرِّ بقاء و جاودانگی و پویایی دین در عین ثبات و استواری و نسخ ناپذیری دین بر اصل اجتهاد مشروع قرار دارد. یکی از افتخارات شیعه همین پویایی در اجتهاد است اجتهاد شیعی همیشه زنده متحرک و غیر تقلیدی است و از نتایج آن توسعه و تعمیق دانش فقه همپای تحولات زمان است. اجتهاد به عنوان تلاش مستمر فقیهان در همه ادوار تاریخی جهت استنباط احکام شرعی مناسب با نیازهای هر دوره و عصر از جمله موضوعات مطرح در حوزه های علمی شیعه بوده است.

## - تکامل فقه

اجتهاد مستمر فقیهان پویایی و بالندگی خاصی به فقه اسلامی بخشیده است. دانش فقهی در طول تاریخ پرافتخارش بر اثر تلاش مجتهدان همیشه رو به کمال بوده است. تکامل فقه تحت تاثیر دو عامل بوده است:

۱- مشروعیت و مقبولیت اجتهاد در فرهنگ شیعی و برخورداری از منابع معتبر. بدین صورت که افراد واجد شرایط عمومی استنباط و فقاقت که از دانش های مقدماتی اجتهاد و صلاحیت استنباط برخوردار بوده‌اند و دارای مبانی متقن و معتبر اجتهادی در فن اصول فقه و برخوردار از ششم فقاقت بوده‌اند در حوزه قلمرو فقاقت دینی برای آنها حق اجتهاد وجود دارد که آزادانه و به دور از تقلید از فقیهان و مجتهدان گذشته به استنباط فقهی و اجتهاد بپردازند.

تکامل فقه درگرو چنین اجتهاد آزاد و حرّی بوده است که در چهارچوبه و ضوابط مشخص مستمراً انجام می‌گرفته است. اجتهاد جریان مستمر و ریشه‌ای در تاریخ فقه و فقهاء است که به ادوار متعدد تقسیم‌پذیر است و بحثهای اجتهادی هر دوره تأثیر زیادی در تطوّر و تحوّل فقه داشته و دارد.

۲- فقه در عین حال که جنبه هدایتگرانه نسبت به حوادث و مسائل روز دارد از نظر گسترش موضوع تابع تحولات زمان نیز بوده است.

بدین معنی که تحولات برای فقه موضوع ساز است چون جامعه ثابت نیاز جدید ندارد و حکم شرعی جدید نمی‌طلبد و جامعه متغیر، نیاز نو و جدید دارد و خواستار بیان حکم مسائل نو می‌باشد از اینرو با نگاه گذرا و اجمالی به تحولات جامعه اسلامی تا امروز این واقعیت معلوم می‌گردد در آغاز طلوع اسلام جامعه اسلامی و نیازهای مقطعی آن در آنچه در مدینه و مکه و اطراف آن می‌گذشت محصور بود مسائل و پرسش های آن جامعه نیز محدود بود<sup>(۵۶)</sup> با گسترش قلمرو حکومت و جامعه اسلامی و اختلاط فرهنگ ها و آشنائی با آداب و رسوم سایر ملت ها و گسترش و پیچیدگی سطح زندگی انسانها، نیازها و پرسشهای جدیدی مطرح شد که در گذشته سابقه نداشته است. دگرگونی در مسائل زندگی در طول تاریخ و تطوّر پرشتاب صحنه های حیات بشری در جمیع جوانب و زمینه ها موجب پدید آمدن حوادث و مسائل تازه‌ای می‌گردد از آنجا که در مورد مسائل نو نصّ خاص وجود

ندارد عالمان دینی ملزم به کوشش اجتهادی بوده تا از راه اجتهاد و کوشش علمی مشکلات را حل نمایند تابعیت فقه از تحولات بدین معنی است که با گسترش پرسش های فقهی احکام فقهی نیز گسترش یافته است لزوم پرداختن به موضوعات و مسائل نو، مبنای توسعه فقه و فقاهت است زمانی فقه محدود بود و می بینیم کتب فقهی پیش از شیخ طوسی کوچک و کم حجم بود شیخ طوسی فقه را وارد مرحله جدیدی نمود و کتاب مبسوط را نوشت و پس از او دوره به دوره در اثر مساعی علماء و فقیهان و ورود مسائل جدید و تحقیقات نو و مبانی استنباطی تازه بر حجم فقه افزوده شد و نوشته های فقهی توسعه و تعمیق یافت رکاملاً اجتهادی شد و کتاب جواهر الکلام در فقه تفصیلی و استدلالی گواه بر عظمت و گستردگی فقه است و کتب فقهی و اصولی شیخ انصاری گواه بر تحول و تکامل مبانی فقهی و اصولی در تاریخ فقه است. با بررسی کتب و متون فقهی و نگاهی به تاریخ فقه و فقهاء و مقایسه ادوار فقه با توجه به توسعه و تعمیق فقاهت به این نتیجه نائل می شویم که فقه همپای زمان، تکامل و پویائی داشته است و فقهاء بر حسب نیازهای خاص مردم که سال به سال و قرن به قرن و دوره به دوره پیش آمده است در مقام پاسخگویی برآمده اند و بدین روال بر حجم فقه تدریجاً افزوده شده است.

از برکت اجتهاد است که هیچگاه فقه شیعی در برابر مظاهر زندگی و پدیده های نو و در اصطلاح فقیهان مسائل مستحدثه و به زبان روایات حوادث واقع رکود و ایستایی نداشته و ندارد و همگام با زندگی در حرکت است امروز نیز اجتهاد همراه با مقتضیات زمان در عین حفاظت از اصالت دین و صیانت از منابع و مبانی تشریح پاسخگوی مشکلات فقهی و حقوق جامعه است، اجتهاد شیعی این توانائی را دارد که هماهنگ با تحولات جوامع بشری و پیشرفت تمدن و صنعت به پاسخگویی نیازها پردازد و به بررسی موضوعات و مسائل مستحدثه بنشیند و از دیدگاه فقهی به پرسشهای نو، پاسخ دهد. باز بودن باب اجتهاد بستری برای حضور مکتب در همه ادوار و عرصه های زندگی است.

- مسائل نو

همراه با تحولات صنعتی و ظهور تکنولوژی جدید و پیدایش اندیشه های نو در

عرصه های فرهنگی و اجتماعی تغییرات جدیدی در شکل زندگی، مناسبات اجتماعی افراد و روابط بین‌المللی حکومتها و دولتها، و بافت و ساختار جامعه و زیست و معیشت فردی و اجتماعی رخ داده است اخیراً زندگی بشر شاهد تغییرات گسترده و فراوانی در زمینه های مختلف از جمله پیشرفت اعجاز آسبز و وسائل ارتباطات و رسانه‌ای، دانش روبه رشد و پیشرفت فنی و صنعتی بوده است که بر روی همه شئون زندگی بشر اثر گذارده است و سرعت حوادث و پدیده های نوین را نسبت به روزگار گذشته چند برابر کرده است مظاهر مختلف زندگی انسان تحت تأثیر این عوامل قرار دارد و تغییرات اساسی در نظام اجتماعی و اقتصادی بشر رخ داده است بشر در کنترل عوامل مخرب طبیعی و استخدام نیروهای طبیعت توانائی‌های یزرگی را به دست آورده است این توانائی‌ها پدیده های دیگری را فراروی بشر قرار داده است مثلاً افزایش جمعیت مولود ترانائی بشر بر کنترل بیماریهاست که مشکل جدیدی بنام افزایش جمعیت بشر به دنبال داشته است. نوآوریها و دگرگونیها در تمام زمینه های زندگی مسائل و پرسشهای جدیدی را فراروی بشر مطرح نموده است که پیش از این نبوده است ارتباط و نزدیکی و همبستگی بین فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها تأثیر جوامع بر یکدیگر، تحولات جدیدی در ناحیه بینش‌ها و نیازهای فردی و اجتماعی ایجاد می‌کند. نگرش‌ها و دیدگاهها از یکدیگر تأثیر می‌پذیرد پیشرفت و تحول، ارتباط و تبادل، ترجمه و نشر و انتقال فرهنگ‌ها پرسش‌های نو، طرح‌ها و نیازهای جدید متناسب با شرایط زمان ایجاد می‌کند در چنین زمینه فرهنگی سئوالات فکری و شبهات اعتقادی، نیازهای جدید فرهنگی و اجتماعی مطابق شرایط زمان پا به عرصه وجود می‌گذارد که قبلاً مطرح نبوده است.

تغییرات در ابعاد زندگی در گستره‌ای فراخ و با شتابی سریع انجام می‌گیرد به مقتضای این تحولات مسائل مستحدثه و موضوعات نوپیدای بسیاری در این روزگار رخ نموده است این موضوعات در تمام عرصه های زندگی فردی و اجتماعی خودنمایی می‌کند دنیای متحول و زندگی پرفراز و نشیب امروزی مسأله ساز است جامعه بشری به جهت تحول و پویایی و پیشرفت ابزار و فن آوری با پرسش‌های جدیدی در زمینه احکام شرعی تحت عنوان مسائل مستحدثه روبرو می‌گردد مسائل مستحدثه فروع جدیدی است که دارای نصّ خاص در منابع دینی نیست و به دلیل

نوبودن در گذشته فقهی در کتب فقهی پیشینه ندارد و فقیهان و مجتهدان با تکیه بر منابع معتبر احکام شرعی آن مسائل را استنباط نموده و در مقام فتوا برای مکلفان بیان نمایند.

نسل معاصر در مواجهه با واقعیت‌هایی که اینک جزو ضروریات زندگی اوست پرسشهای گوناگونی برایش مطرح می‌شود که پاسخ‌های مناسب آن را از اندیشمندان اسلامی می‌طلبد.

مسائل حقوقی و پرسشهای فقهی به تبع تحولات گسترده زندگی در سطح فردی و اجتماعی و جهانی و پدیده‌های اقتصادی مطرح است توانایی‌های بیشتر و بهتر در تنظیم و استفاده از اطلاعات و تغییرات اساسی در نظام اجتماعی و اقتصادی و تولید ثروت همپای تکنولوژی نوین در عرصه‌های مختلف پرسشهای نوینی را مطرح می‌سازد و در آینده نیز بدون شک توسعه در زمینه روابط و مناسبات اجتماعی به وجود خواهد آورد فن آوری رشد علمی در زمینه ساخت ابزار صنعتی، بهره‌گیری از امکانات طبیعی به صورت گسترده و کشف قوانین حاکم بر طبیعت و استفاده فنی از نتایج تحقیقات در علوم تجربی فیزیک و شیمی، دانش پزشکی مسائل و موضوعات جدیدی را مطرح می‌سازد همیشه بین تحولات و مقتضیات و نیازها ارتباط و مناسبت وثیق و محکم وجود دارد که منشا یکسری موضوعات و مسائل جدید می‌گردد که دین در دو جبهه فکری و اعتقادی و برنامه‌های عملی و حکومتی باید پاسخگو باشد.

هر روز مسلمین با مسائل جدید در زندگی روبرو می‌شوند تکلیف مسلمین در مسائل جدید و نو باید روشن شود نیازهای روزمره و دوره‌ای که پیش می‌آید باید پاسخ داده شود فقهاء زنده و روشن بینی لازم است که به این نیازها توجه کنند اشکالات را حل نماید رمز تقلید از مجتهد زنده همین است که مسائل جدید و نو «الحوادث الواقعة» را پاسخگو باشد نه در «الحوادث السابقه» شأن دین و اجتهاد حضور در صحنه‌های اجتماع و هدایتگری نسبت به جریانهای روز است و دین از کنار حوادث واقعی بی تفاوت نمی‌گذرد.

### - لزوم طرح مباحث تفویک در اجتهاد

با پیشرفت علمی و فنی و اجتماعی بشر، تعداد موضوعاتی که در معرض پاسخگویی فقه قرار می‌گیرد افزایش یافته است به موازات گستردگی حجم مسائل زندگی و افعال مکلفان و تنوع عرصه‌های زندگی و روابط و مناسبات افراد و جامعه‌ها باید محدوده اجتهاد و فقه مصطلح اسلامی نیز گسترده گردد چون فقه متضمن مجموعه کاملی از مباحث است که برنامه زندگی انسانها را پوشش می‌دهد و نظامات و مقررات حاکم بر زندگی بشر را از جهات گوناگون تبیین می‌نماید با توجه به اینکه می‌گویند موضوع فقه، افعال مکلفان است با گسترش افعال مکلفان در حوزه مسائل فردی و اجتماعی تلاش فقهی نیز باید گسترده و وسیع گردد فقه باید حکم شرعی موضوعات و مسائل مطروحه را بیان و شان هدایتگری دین را به اثبات رساند.

از آنجا که رسالت راستین اسلام در صحنه زندگی و برنامه دادن جهت اداره زندگی در عصر غیبت، بر عهده اجتهاد و فقاہت است اجتهاد و فقاہت جنبه‌های حقوقی و تشریحی زندگی بشر را بررسی و به راهنمایی می‌پردازد پاسخگویی به نیازهای جمعیت مسلمانان وظیفه و وجهه همت مجتهدان است فقاہت امروز به ادله ذیل نیاز به نگرشی نو نسبت به مسائل جامعه دارد.

۱- چون امروز فقه شیعه در جایگاه حاکمیت و جامعه سازی است و رسالت بزرگی را در پاسخگویی به نیازهای متعدد و متنوع در سطح جوامع اسلامی بلکه در سطح جهانی (به لحاظ داعیه جهانشمولی مکتب) بر عهده دارد، اجتهاد در عصر حاکمیت اسلام (با توجه به اولین تجربه حکومتی و نظام دینی در شرایط فعلی) صرفاً نباید در محدوده فرد مسلمان و حوزه احکام شخصی محدود شود. اجتهاد باید فراتر از آنچه که یک فرد مسلمان بدان نیازمند است به حاکمیت دینی به لحاظ جهانشمولی اسلام به منابع و متون دینی و حوادث و وقایع جاری بپردازد و تنها به ارائه راه حل مشکل فرد مسلمان اکتفا ننماید.

در عصر حاکمیت اسلام باید جنبه جمعی و حکومتی و سیاسی دین در اجتهاد و فقاہت مورد ملاحظه و مدافه قرار گیرد و با نگرش ولایی، نگاه تازه‌ای به فروع احکام بشود عمل و نظریه پردازان محققان و مجتهدان به مسائل فردی محدود نباشد شکل‌گیری مباحث و مسائل فقه باید با توجه به شرایط جامعه و حکومت اسلامی باشد روند فعلی و آینده اجتهاد باید به گونه‌ای باشد که آن را از یک حرکت فردگرایانه

به لحاظ جمع‌نگری و جهاد مستمر در پی عرضه کامل اسلام در آورد اجتهاد زمانی ابعاد حقیقی خود را در می‌یابد که هر دو عرصه (فرد و اجتماع) را در برگیرد. دین فقط به میان رابطه فردی انسان در مسائل عبادی و شخصی تفسیر نشود جنبه هدایتگری دین نسبت به جریان‌ات اجتماعی و کفالت تنظیم روابط انسانی و حقوقی در سطح اجتماع و روابط بین‌المللی و جهانی از ارکان مهم فقاہت و اجتهاد در عصر غیبت است.

۲- در به‌کارگیری اجتهاد ابعاد قضایا و ویژگیهای درونی و بیرونی موضوعات احکام در بستر جامعه با توجه به شرایط زمان و مکان باید مورد بررسی و شناخت قرارگیرد.

فقیه موضوع ساز نیست اما پاسخگری حکم موضوعات است موضوعات بر او عرضه می‌شود و موضوع شناسی با توجه تأثیرپذیری از زمان و مکان، در بیان حکم فقهی قطعاً دخالت دارد. منظور از موضوع شناسی تعیین مصداق حکم نیست بلکه رفع شبهه مفهومی از موضوع حکم است شناخت مفهومی از موضوع در بیان حکم و فتوا دخیل است مثلاً فتوای راجع به بانک باید با شناخت بانک همراه باشد فتوای راجع به بیمه با شناخت مفهوم بیمه و جایگاه و نقش بیمه در زندگی اجتماعی و فعالیتهای اقتصادی همراه باشد. البته در بیان حکم فقهی، مجتهد و ولی فقیه در شناخت دقیق موضوعات و ویژگیهای منحول آن می‌تواند از متخصصان در هر رشته نظر بخواهد و یا طرح صحیح موضوع، حکم مسأله را با تکیه بر متون دینی استنباط و بیان نماید.

۳- نگرش به دین اسلام، جامع‌نگرانه باشد به این معنا که مجموعه اسلام به عنوان یک طرح نظام‌مند برای همه جنبه‌های زندگی مورد توجه قرارگیرد و به صورت گزینشی و انقطاعی به مسائل دینی و جداسازی بخشی از بیکره دین، به دین نگاه نشود ابعاد فقاہت حکومتی، جهانشمولی فقه و جامعیت و زندگی ساز بودن و توجه به کارائی دین در اداره جامعه از منظر حاکمیت دینی مورد لحاظ قرارگیرد چون اسلام مجموعه ای تفکیک ناپذیر و نظام‌مند است حوزه مسائل فردی و احکام دینی آن از جنبه اجتماعی آن جدا نیست نظام قضایی و اخلاقی و تربیتی و اقتصادی و سیاسی اسلام به یکدیگر پیوسته است در اجتهاد و فقاہت امروزی باید با نگرش حکومتی و جمع‌گرایانه و نظام‌مند و مطالعه عمیق اجزاء و بخش‌های مکتب، اصول

و مبانی و روح حاکم بر مجموعه اسلام مورد مطالعه قرار گیرد. اسلام به عنوان یک طرح و سیستم جامع برای مسائل جهانی مطرح است از آنجا که هدف اجتهاد و فقاہت تطبیق دادن تئوری اسلام با فضای زندگی است باید دیدگاههای کلی و نگرش جمعی و جهانی در سمت گیری فقاہت و اجتهاد مبنای استنباط احکام قرار گیرد و نگرشی تازه و فرافردی در استنباط احکام و بیان معارف دینی به متون دینی انجام گیرد و از این دیدگاه به طرح نو و پاسخ به نیازهای جدید جامعه پرداخته شود.

با توجه به راهگشا بودن اجتهاد و اهمیت فقاہت در عصر امروز، بصیرت در مسائل سیاسی و درک جهان بینی و جهانشمولی فقه و آگاهی از کیفیت برخورد با اقتصاد و سیاست حاکم بر جهان و آشنائی به روش ها و حیلها و تزویرها و شناخت درست از فرهنگ حاکم جهانی یک ضرورت برای فقاہت است تا با پاسخهای مناسب در بعد فردی، اجتماعی، عبادی و حکومتی بتواند فقه اجتهادی را با رویدادهای گوناگون همگام سازد و مشکلات جامعه اسلامی را با اعتماد و تکیه به اصول و مبانی دینی حل نماید. علاوه بر دارا بودن دانش های دخیل در فقاہت و استنباط، تحولات زمان و مقتضیات هر عصر و جامعه را بشناسد اهم و مهمها و فاسد و افسدها را در شرایط خاص هر جامعه و در فضای جهانی تشخیص دهد از قضا و ابعاد آن تحلیل داشته باشد و نسبت به شرایط زمان و مکان فراتر از مقام ثبوت در مرحله اثبات معرفت و شناخت داشته باشد.

### نتیجه گیری

در عصر غیبت و حضور دین در عرصه های مختلف زندگی، اجتهاد متکی بر منابع غنی و پایان ناپذیر دینی و با تأمل بر جنبه های ساختاری و محتوایی و نگرش فرا زمانی دین، کلید حل بن بست ها و راهگشای مشکلات جوامع دینی است که با پرسش های نو و نیازهای جدید روبرو می شود اجتهاد در صورتی که همراه با حسن تشخیص باشد و نگاهی تازه به منابع فقاہت و همچنین به موضوعات و مسائل مستحدثه بیاندارد می تواند در عین صیانت از مبانی و اصول و احکام دینی، نیازهای جدید جوامع متحول را پاسخ دهد و صالت و حضور دین را در درازای تاریخ و گستره جوامع بشری به اثبات برساند.

## منابع و پی نوشتها

- ۱- طباطبائی، محمد حسین: میزان، ناشر دارالکتب الاسلامیه جلد (۱) چاپ سوم تاریخ ۱۳۹۴ هجری قمری، تهران ص ۲۵۶ ذیل آیه «مانسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها» سوره بقره آیه ۱۰۶.
- ۲- قرآن کریم سوره نحل آیه ۱۸۹، «و نزلک علیک الکتب تبیاناً لکل شی و هدی و رحمة بشری للمسلمین» و آیه ۱۳۸ از سوره آل عمران «هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین»
- ۳- میرزاییگی، علی: نقش نیازهای روانی در بهداشت روانی، انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم، سال ۱۳۷۳، تهران ص ۳۷.
- ۴- قرآن کریم سوره بقره آیه ۳۰.
- ۵- قرآن کریم سوره مومنون آیه ۲۲، و تفسیر میزان جلد ۱۵، صفحه ۲۰.
- ۶- «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً»، قرآن کریم سوره الدهر آیه ۳.
- ۷- مطهری، مرتضی: مجموعه آثار، انتشارات صدرا، جلد ۲، چاپ سوم، سال ۱۳۷۲، ص ۱۸۶.
- ۸- قرآن کریم سوره احزاب آیه ۴۰.
- ۹- قرآن کریم سوره فصلت آیه ۴۲.
- ۱۰- قرآن کریم سوره حجر آیه ۹.
- ۱۱- الحسینی المرعشی الشوشتری، القاضی السید نورالله: احقاق الحق، جلد ۱۶، ناشر کتابخانه آیت... نجفی چاپ اول، ۱۴۰۳ قمری، قم، چاپخانه خیام ص ۹۸ تا ۹۸، متجاوز از ۳۲۵ مورد این حدیث در این کتاب آمده است و میر حامد حسین کتاب «عجبات الانوار» را در مورد سند و متن این حدیث نگاشته است.
- ۱۲- کلینی رازی، محمد بن یعقوب: اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، ص ۱۷.
- ۱۳- قرآن کریم سوره فرقان آیه ۱.
- ۱۴- قرآن کریم سوره انعام آیه ۱۹.
- ۱۵- قرآن کریم سوره سبأ، آیه ۲۸ «و ما ارسلناک الا کافه للناس» و سوره آل عمران آیه ۱۹، «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین».
- ۱۶- قرآن کریم سوره حجرات، آیه ۱۲ «ان اکرمکم عندالله اتقیکم»
- ۱۷- اصول کافی جلد ۱ ص ۱۳، حدیث ۱۲ از کتاب عقل و جهل.
- ۱۸- اصول کافی جلد ۱ ص ۱۳، حدیث ۱۱ از کتاب عقل و جهل.
- ۱۹- قرآن کریم سوره روم، آیه ۳۰.
- ۲۰- قرآن کریم سوره انعام، آیه ۱۵۳ «ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه» و سوره آل عمران، آیه ۱۹ «ان الدین عندالله الاسلام».

- ۲۱- طباطبائی، سیدمحمدحسین: بررسیهای اسلامی، انتشارات هجرت قم، جلد دوم، ص ۱۲.
- ۲۲- مطهری، مرتضی: مجموعه آثار جلد ۳، ص ۳۸۶.
- ۲۳- قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۴۳.
- ۲۴- طباطبائی، سید محمد حسین: تفسیر المیزان، جلد ۱، ص ۳۸۶.
- ۲۵- قرآن کریم سوره مائده، آیه ۳.
- ۲۶- اصول کافی جلد ۱، ص ۵۹ حدیث (۱) و حدیث (۲) ص ۶۰ حدیث (۴) ص ۶۲.
- ۲۷- قرآن کریم سوره حدید آیه ۲۵، «لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» و سوره مائده آیه ۸ و ۴۲، حجرات آیه ۹، نساء آیه ۱۳۵.
- ۲۸- قرآن کریم، سوره بقره آیه ۸۳.
- ۲۹- قرآن کریم سوره نساء، آیه ۲۹.
- ۳۰- حلی، علامه حسن بن یوسف بن المطهر: شرح تجرید الاعتقاد، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ اول، قم ص ۳۱۹ و کفایة الاصول یک جلدی ص ۳۴۸ از آخوند ملا محمد کاظم خراسانی.
- ۳۱- قرآن کریم سوره مائده آیه ۱، و آیه «لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض» قرآن کریم سوره نساء آیه ۲۸.
- ۳۲- قرآن کریم سوره اعراف، آیه ۱۹۹.
- ۳۳- حائری. مسعود: مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها، انتشارات کیهان تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳ تهران، ص ۱۵۵ به بعد.
- ۳۴- امام خمینی، سید روح الله: صحیفه نور، انتشارات سروش، جلد ۲، ص ۱۹۸.
- ۳۵- انصاری. شیخ مرتضی: فرائد الاصول، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، جلد ۲، ص ۵۵۴.
- ۳۶- مؤمن، محمد: «تزامم کارهای حکومت اسلامی و حقوق اشخاص»، مجله فقه اهل بیت شماره ۵۰۶ سال ۱۳۷۵، ص ۷۷.
- ۳۷- مطهری، مرتضی: مجموعه آثار انتشارات صدرا، جلد ۲، ص ۲۹۱.
- ۳۸- الحر عاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعه، چاپ دارالاحیاء التراث العربی، چاپ پنجم، جلد ۴، باب (۱) از ابواب قیام، ص ۶۹۰. حدیث (۷) «لر موسى بن جعفر (ع) نقل شده است: لیس شی مما حرّم الله الا و قد احله الاضطرار» مفاد قاعدة «اضطرار» در متون روایی متعدد آمده است که به ماخذ آن اشاره می شود، و وسائل الشیعه جلد ۲۵ ص ۹، کتاب الاطعمه و الاشراب و وسائل الشیعه جلد ۲۴ ص ۲۱۵ باب ۵۶، استبصار از محمد بن حسن طوسی، جلد ۲، ص ۳۰۲، روایة ۲، تهذیب الاحکام، جلد ۵، ص ۲۰۹، روایة ۸.
- ۳۹- جعفری نگرودی، محمد جعفر: مقدمه عمومی علم حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، سال ۱۳۶۹، تهران، ص ۲۸.
- ۴۰- مطهری، مرتضی: اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، قم جلد ۱، سال ۱۳۷۴،

- چاپ یازدهم، ص ۲۹۱.
- ۴۱- صدر، سید محمد باقر: اقتصادنا، ناشر مجمع الشهدا الصدر، چاپ دوم، محرم الحرام ۱۴۰۸ قمری، قم ص ۷۲۵.
- ۴۲- همان، ص ۷۲۲-۷۲۱.
- ۴۳- قرآن کریم سوره نساء، آیه ۵۵.
- ۴۴- نائینی غروی، محمد حسین: تنبیه الامه و تنزیه الملة، ص ۹۷ بدون نشانه و تاریخ چاپ.
- ۴۵- همان، ص ۹۸.
- ۴۶- بررسی های اسلامی، جلد ۲، انتشارات هجرت قم، ص ۳۸.
- ۴۷- نائینی غروی، محمد حسین: تنبیه الامه ص ۹۸.
- ۴۸- جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظام قانونگذاری و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس همین اختیارات ولایی و حکومتی است که راهگشای بسیاری از معضلات نظام جمهوری اسلامی می باشد.
- ۴۹- اجتهاد از ماده جهد (به ضم جیم) اخذ شده است و جهد عبارت است از به کارگیری تلاش وسیع در انجام کاری، و این معنا از سخن لغت شناسان استفاده می شود.
- جَنّاتی، محمد ابراهیم: ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب، انتشارات کیهان، سال ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۲.
- ۵۰- جمال الدین نجل الشهدا الثاني، معلم الدین و ملاذالمجتهدین، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ ۲۰، سال ۱۴۱۵ قمری، ص ۲۳۸.
- ۵۱- خراسانی، ملا محمد کاظم: کفایة الاصول، انتشارات اسلامی جلد ۲، ص ۴۲۲.
- ۵۲- از اجتهاد به «استفراغ الوسع» تعبیر می شود یعنی نهایت تلاش در گستره ای وسیع در تحصیل حکم شرعی انجام گیرد.
- ۵۳- در اصطلاح رایج فعلی تفقه و اجتهاد مرادف یکدیگر به کار می رود تفقه از آیه «فلیتفقوا فی الدین» سوره توبه، آیه ۱۲۲، و اجتهاد از حدیث «معاذین جبل» گرفته شده است (ادوار فقه، استاد محمود شهابی جلد ۱، ص ۴۷، انتشارات دانشگاه تهران)
- ۵۴- وسائل الشیعه، جلد ۱۸، ص ۱۰۱، «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا».
- ۵۵- الحر العاملی، محمد بن الحسن: وسائل الشیعه جلد ۱۸، ابواب صفات قضی، باب (۱) علینا القاء الاصول و علیکم ان تفرعوا».
- ۵۶- شهابی، محمود: ادوار فقه جلد (۱)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم ۱۳۶۹، ص ۵۰۱ تا ۵۱۹.